

# مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی

محمد علی بهمنی قاجار

دارد، صورت بگیرد. پذیرش معنای خاص حق آزادی و امنیت شخصی به منزله به رسمیت شناخته شدن حقوق افراد در زمینه آزادیهای فیزیکی است. این موضوع اولین شرط اساسی و لازم در راستای نیل انسان به همه آزادیها و حقوقش به شمار می‌رود. زیرا تا جسم و تن انسان آزاد نبوده و امنیت وی در معرض تهدیدهای روحی و جسمی باشد، امکان بهره گرفتن او از سایر حقوق و آزادیها از بین می‌رود. از این رو حق آزادی و امنیت شخصی به معنای خاص آن نیز که در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تشریح شده است اهمیت اساسی در راستای بهره‌مندی از حقوق بشر دارد. حق آزادی و امنیت شخصی به‌ویژه برای برخوردارانی از یک دادرسی عادلانه و منصفانه و در کنار حقوق دفاعی متهم حائز اهمیت است. در حقیقت در هنگامی که فردی در یک دادرسی کیفری مورد اتهام قرار می‌گیرد، حق آزادی و امنیت شخصی به حمایت وی می‌آید. در چنین وضعیتی فرد از طیفی از حقوق که از حق آزادی و امنیت شخصی ریشه می‌گیرد، بهره‌مند می‌شود. این طیف از حقوق از سلب خودسرانه آزادی فرد جلوگیری به عمل آورده، امنیت او را در برابر هرگونه تجاوز به شخصیت انسانی اش حفظ کرده و یکی از شرایط لازم را برای دادرسی که به اجرای عدالت منجر گردد فراهم می‌آورد. با توجه به اهمیت

امنیت فرد در برابر هرگونه تهدیدی به تمامیت جسمانی اش و رهایی او از هر نوع اقدام خودسرانه‌ای که آزادی وی را مورد تعرض قرار دهد، آزادی و امنیت شخصی است. آزادی و امنیت شخصی به معنای وسیع آن دربرگیرنده حق هر کس برای زندگی، حفظ حریم خصوصی، برخورداری از یک دادرسی منصفانه، آزادی برای رفت و آمد و اختیار مسکن، ایمنی در برابر اعمال مغایر کرامت انسانی هم‌چون: اسارت، تملک، بهره‌کشی، بردگی و شکنجه و نیز امنیت نسبت به توقیف خودسرانه و غیرقانونی است. این برداشت گسترده از مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی در پیوند با ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار دارد. در این ماده به گونه‌ای کلی به حق هر کس برای زندگی و آزادی و امنیت شخصی اشاره شده است. بنابراین آزادی و امنیت شخصی مورد نظر در ماده یاد شده می‌تواند گستره وسیعی را که پیش از این بیان شد دربرگیرد. اما آزادی و امنیت شخصی یک معنای شکلی نیز دارد که در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و آن حقوق ناظر بر آزادیهای متهم است. بر این مبنا سلب آزادی از هر کس بایستی تنها بر اساس آئین دادرسی قانونی و با رعایت اصولی که بر پایه احترام به آزادی فرد و استثنای بودن سلب آزادی وی قرار

آن در حقوق کیفری حاصل می‌آید از جمله مواردی هستند که در گفتار دوم مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

## گفتار اول: آزادی

الف- آزادی و دیدگاه‌های گوناگون درباره آن

آزادی حالتی است در انسان که به موجب آن شخص می‌تواند آنطور که اراده کند رفتار نماید.<sup>۱</sup> آزادی را از دو جنبه فلسفی و حقوقی قابل بررسی می‌دانند. از جنبه فلسفی مسئله آزادی انسان پیرامون موضوع سنتی حاکمیت جبر یا اختیار است. اینکه انسان از اختیار و آزادی برای انجام اعمال خود برخوردار بوده و یا اینکه زیر اجبار یک اراده بالاتر قرار دارد.<sup>۲</sup> بسیاری از مکاتب، انسانها را آزاد و مختار می‌دانند از جمله در دین اسلام بر مختار بودن انسانها تأکید شده است. چنانچه در قرآن کریم در آیه ۳۹ سوره کهف بیان گردیده: «هر کس خواست ایمان بیاورد و هر کس خواست کفر بورزد» و یا در آیه ۳ سوره دهر تأکید شده است: «ما انسان را هدایت کردیم. حال او سپاسگزار این نعمت است یا کافر به آن»<sup>۳</sup>

بحث درباره آزادی فلسفی بسیار گسترده است و از این رو از پرداختن بیشتر به این موضوع صرف نظر می‌گردد و تنها به بیان این مطلب بسنده می‌شود که در مکاتبی که اصل مختار و آزاد بودن انسان پذیرفته می‌شود یکی از پایه‌های پذیرش آزادی و مسئولیت ناشی از آن در عرصه اجتماعی نیز فراهم می‌آید.

اما آزادی در جنبه حقوقی آن، موضوعی مورد علاقه در پژوهشهای حقوقی است. از آزادی در جنبه حقوقی تعریفهای گوناگونی شده است. بیشتر تعریفهای ارائه شده از آزادی در سده‌های اخیر بر مبنای پذیرش اصالت فرد بوده است.<sup>۴</sup> بر این مبنا فرد انسانی آزاد بدنیا آمده و باید از مواهب آن بهره‌مند باشد، بهره‌مندی از مواهب آزاد بودن همان آزادی است.<sup>۵</sup> دیدگاهی آزادی را به معنای امکانات و به منزله راهی در برابر فرد انسانی می‌داند که از این طریق می‌تواند بدون وابستگی به غیر استقلال خود را تأمین کند و ابتکار خود را بکار اندازد.<sup>۶</sup> دیدگاهی دیگر آزادی را قدرتی متعلق به انسان می‌داند

حق آزادی و امنیت شخصی، این نوشتار بر آنست تا ضمن بررسی مفهوم این حق و مبانی اش، سیر تحولات پیرامون آن در جهان و ایران را نیز مورد بررسی قرار دهد. پرداختن به موضوعاتی که به آنها اشاره گردید زمینه لازم را برای بررسی مصادیق حق آزادی و امنیت شخصی فراهم آورده و به فهمی همه‌جانبه‌تر از آنها کمک می‌کند.

## مبحث اول: مبانی حق آزادی و امنیت شخصی

انسان آزاد بدنیا آمده و حق دارد که از آزادی به عنوان یکی از مهمترین ضرورت‌های یک زندگی با کرامت بهره‌مند گردد. بر این مبنا هر فرد می‌تواند از طیف گسترده‌ای از آزادیها و حقوق تمتع یابد. یکی از مهمترین و پایه‌ای‌ترین آزادیها و حقوق که بدون آن امکان استفاده از سایر آزادیها وجود ندارد حق آزادی و امنیت شخصی است. در کنار اصل آزادی، پذیرش بی‌گناهی افراد در هنگامی که در مظان اتهام قرار می‌گیرند نیز یکی از مبانی حق آزادی و امنیت شخصی به‌شمار می‌رود. بر این مبنا آزادی افراد تنها با حکم قطعی قضایی سلب می‌گردد و پیش از صدور چنین حکمی که دربرگیرنده مجازات سالب آزادی هم‌چون: حبس باشد، امکان از میان بردن و یا محدود کردن آزادی فرد به عنوان بازداشت یا موارد دیگر وجود ندارد مگر آنکه ضرورت نیل به عدالت در یک دادرسی کیفری، بازداشت موقت را به عنوان یک امر استثنایی توجیه‌پذیر سازد. با توجه به مواردی که بیان شد باید اصل آزادی و فرض برائت را از مبانی حق آزادی و امنیت شخصی دانست. این مبحث در دو گفتار جداگانه به موارد یاد شده می‌پردازد. گفتار اول به آزادی اختصاص دارد. اینکه آزادی از چه معنایی برخوردار بوده و چه دیدگاههایی درباره آن وجود دارد. آزادیهای عمومی و فردی چیست و سرانجام اینکه چه تعریفی از حق آزادی و امنیت شخصی وجود داشته، این حق چه گستره‌ای را دربرمی‌گیرد و با کدام سازوکارها حاصل می‌آید، مواردی است که در گفتار اول بررسی می‌گردد. گفتار دوم نیز درباره فرض برائت است. تعریف از فرض برائت، مطالعه ندهای پیرامون این فرض و آثاری که از

که بر اساس آن می‌تواند آنچه را که به دیگران زیان نمی‌رساند، انجام دهد، به بیانی دیگر از این دیدگاه آزادی قدرت انجام هرگونه عملی است که به حقوق دیگری لطمه وارد نیاورد.<sup>۷</sup>

آزادی در پیوند، حاکمیت قانونی نیز تعریف می‌شود. بر مبنای این تعریف، آزادی عبارت از اینست که انسان حق داشته باشد هر کاری را که قانون اجازه می‌دهد، انجام داده و تنها از آنچه به وسیله قانون منع گردیده خودداری نماید.<sup>۸</sup> البته این تعریف از آزادی در عصر حاضر چندان قابل قبول نیست زیرا انسانها حقوق و آزادهای اساسی دارند که باید قانون نیز آنها را به رسمیت بشناسد. بنابراین با وجود اینکه هم‌اکنون نیز پذیرش حاکمیت قانون اهمیتی اساسی در آزادی دارد ولی دیگر نمی‌توان آزادی را به قانون محدود کرد بلکه باید از ارائه تعریفی کلی از آزادی فراتر رفت و با شناسایی گستره آزادی و مصادیق آن به فهمی فراگیر از آزادی یاری رساند.

#### ب- آزادهای عمومی

حقوق و آزادهایی که برای فرد در جامعه به وسیله حقوق موضوعه به رسمیت شناخته شده است را آزادهای عمومی می‌نامند. آزادهای عمومی مترادف با آزادهای فردی است.<sup>۹</sup> آزادهای فردی را قدرتی می‌دانند که برای فرد شناخته شده و به وسیله قانون، دستگاه قضایی و دولت تنظیم می‌گردد.<sup>۱۰</sup> آزادهای عمومی و آزادهای فردی معنایی یکسان دارند که در هر دو آنها قدرت عمومی یعنی دولت طیفی از حقوق را برای فرد در جامعه شناسایی کرده و بهره‌مندی فرد را از این حقوق تضمین کرده است. آزادهای عمومی یا آزادهای فردی گستره وسیعی داشته و دربرگیرنده آزادهای مدنی و سیاسی و نیز آزادهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است.<sup>۱۱</sup> آزادهای مدنی و سیاسی آن دسته از آزادهای هستند که مانع دخالت دولت در حریم فردی می‌گردند و بدین ترتیب امنیت فرد و آزادی شخص در اندیشه، بیان، رفت و آمد، زندگی خصوصی، اعمال مذهبی و فعالیت‌های اقتصادی را تضمین می‌نمایند. آزادهای مدنی و سیاسی هم‌چنین از حق

مشارکت افراد در تعیین سرنوشته‌شان نیز پشتیبانی می‌کنند.<sup>۱۲</sup> با این وجود آزادهای مدنی و سیاسی برای بهره‌مندی حقیقی انسانها از آزادی کفایت نمی‌کرد زیرا تا نابرابریهای بسیار زیاد وجود داشت در عمل امکان بهره‌مندی افراد از آزادی نبود. با توجه به چنین وضعیتی آزادهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز برای تمتع از آزادی ضرورت پیدا کرد. این آزادهای با دخالت دولت تحقق پیدا می‌کند و بدین معناست که دولت حداقل امنیت مادی را برای فرد تأمین کرده و به او امکان دهد که خود را از نیازهای اساسی زندگی هم‌چون: خوراک، مسکن، درمان و بهداشت رها سازد. در عصر حاضر آزادهای عمومی دربرگیرنده هر دو دسته از آزادهای مدنی و سیاسی (آزادهای سنتی) و آزادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (آزادهای نوین) است.<sup>۱۳</sup> اما باز هم آزادهای سنتی از اهمیت پایه‌ای تر و ضروری تر از آزادهای نوین برخوردار است زیرا تا حریم فردی مصونیت نداشته باشد و افراد نتوانند سرنوشته خود را رقم بزنند امکان حداقل زندگی آزادانه وجود ندارد. بنابراین در عصر حاضر نیز تعهد دولتها به تأمین حقوق و آزادهای مدنی و سیاسی فوریت داشته ولی تعهد دولتها در مورد فراهم کردن حقوق و آزادهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از جنبه تدریجی برخوردار است. در میان آزادهای مدنی و سیاسی نیز، آزادهای شخصی از اهمیتی بنیادین برخوردار بوده و پایه و شالوده حقوق و آزادهای به‌شمار می‌رود. زیرا تا هنگامی که انسان آزادی و امنیت نداشته باشد استفاده از سایر آزادهای نیز برای او مفهومی ندارد. برای نمونه هنگامی که فرد تهدید به سلب حیات گردد، بازداشت یا زندانی باشد و یا حریم خصوصی اش مورد تعرض قرار بگیرد، امکان بهره‌مندی از سایر حقوق را نیز ندارد.<sup>۱۴</sup> آزادهای شخصی نیز گستره وسیعی دارند و حق زندگی، آزادی رفت و آمد و اختیار مسکن، مصونیت مسکن، حق حفظ حریم خصوصی و حق آزادی و امنیت شخصی را دربرمی‌گیرند. در میان آزادهای شخصی نیز پس از حق زندگی، حفظ آزادی و امنیت شخصی بنیادی ترین حق به‌شمار می‌آید.<sup>۱۵</sup> این حق از هرگونه سلب خودسرانه

آزادی جسمانی افراد جلوگیری کرده و پایه اصلی را برای حفظ امنیت افراد در جامعه فراهم می‌آورد.

### ج- آزادی و امنیت شخصی

حق آزادی و امنیت شخصی بدین معناست که از هیچ فردی نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر بر مبنای قانون و با دستور مرجع صالح قانونی و با پیروی از سازوکارهایی که با احترام به اصل آزاد بودن افراد در متون قانونی پیش‌بینی شده است.<sup>۱۶</sup> در صورتی که در قانون کشوری چنین پیش‌بینیهایی نشده باشد در این صورت باید گفت که مردم آن کشور از حق آزادی و امنیت شخصی برخوردار نیستند. براساس اسناد جهانی حقوق بشر حق آزادی و امنیت شخصی با گستره آن که دربرگیرنده سازوکارهایی برای سلب آزادی است به رسمیت شناخته شده است.<sup>۱۷</sup> بنابراین در سلب آزادی افراد حداقل باید موازینی را که در اسناد جهانی حقوق بشر و به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده است، رعایت کرد. افزون بر این، با توجه به اینکه قوانین داخلی کشورها قواعد حقوقی را با تفصیل بسیار بیشتری بیان می‌دارند بدیهی است که در آئین دادرسی کیفری هر کشور باید سلب آزادی افراد با رعایت تضمینات گسترده‌تری نسبت به اصل آزاد بودن افراد صورت بگیرد.<sup>۱۸</sup>

از حق آزادی و امنیت شخصی، طیفی از حقوق برای فرد و سلسله‌ای از تکالیف برای دولت پدید می‌آید. براساس این حق، هر نوع توقیف خودسرانه ممنوع می‌گردد. سلب آزادی تنها براساس قانون و در جرایم غیر مشهود با دستور مرجع قضایی صالح و به‌وسیله ضابطان دادگستری که بر مبنای قانون مشخص و معین هستند صورت می‌گیرد.<sup>۱۹</sup> در جرایم مشهود ضابطان دادگستری می‌توانند خودرأساً به توقیف افراد اقدام نمایند. اما هم در جرایم مشهود و هم در جرایم غیر مشهود، ضابطان دادگستری باید در هنگام توقیف افراد به سرعت و به گونه‌ای کامل و قابل فهم به متهم تفهیم اتهام نمایند. تفهیم اتهام باید دربرگیرنده موضوع اتهام و عنوان قانونی آن باشد. ضابطان دادگستری هم چنین باید متهم را بدون درنگ در برابر مرجع صالح

قضایی حاضر نمایند. مرجع قضایی نیز بایستی آزادی افراد را رعایت نماید و تنها در صورتی که ضرورت نیل به عدالت در یک دادرسی کیفری اقتضاء کند، می‌تواند آزادی فرد را محدود نماید. در راستای محدودیت آزادی فرد نیز بایستی بازداشت و سلب آزادی از فرد گزینه آخر باشد و در وهله اول از قرارهای جاننشین بازداشت هم چون قرار وثیقه و یا کفالت استفاده گردد. در صورتی که برای یک دادرسی کیفری در جهت نیل به عدالت و از بیم فرار متهم یا احتمال آسیب زدن وی به مجنی علیه و یا امکان از بین رفتن آثار جرم به‌وسیله او بازداشت فرد ناگزیر باشد، این بازداشت باید براساس دلایل موجه بوده و متهم نیز از این دلایل آگاه گردد. هم چنین بازداشت باید مدتی معین داشته باشد و به گونه‌ای غیر معقول طولانی نشود. ضمن اینکه متهم بایستی از حق اعتراض به قرار بازداشت برخوردار باشد. در طول بازداشت نیز می‌باید رفتار قانونی و انسانی با متهم صورت بگیرد، در بازداشتگاه قانونی نگهداری شود و از شرایطی انسانی بهره‌مند گردد. سرانجام اینکه در صورت تبرئه متهم و یا در صورتی که متهم به مجازاتی کمتر از آنچه در دوران بازداشت تحمل کرده است محکوم گردد، باید خسارت وارد شده به وی از نظر مادی و معنوی جبران گردد.<sup>۲۰</sup>

مواردی که به آنها اشاره شد همگی از حق فرد به برخورداری از آزادی و امنیت شخصی ناشی می‌گردند، حقی که می‌توان آنرا یکی از اصول اساسی و بنیادی برای نیل به زندگی آزاد و همراه با کرامت دانست.

### گفتار دوم: فرض برائت

الف- برائت و دیدگاه‌های گوناگون در مورد آن  
از دیدگاه آئین دادرسی کیفری هرگاه فردی متهم به ارتکاب جرمی است حق دارد تا هنگامی که حکم قطعی قضایی درباره‌ی وی صادر نشده، بی‌گناه فرض گردد حتی اگر دلایلی بسیار محکم مبنی بر گناهکاری وی در دست باشد. همان‌گونه که باور به اصل آزاد بودن فرد موجب می‌گردد که او از حق آزادی و امنیت شخصی بهره‌مند گردیده و آزادی و امنیت وی به گونه‌ای خودسرانه سلب نشود. پذیرش فرض برائت نیز این اثر را دارد که فرد در

که فرض برائت برای متهم، با بی طرفی قضایی در تضاد است و باید همان گونه که از فرض بزهکاری نسبت به متهم دوری گردد از فرض برائت هم اجتناب شود و نسبت به متهم نگرشی بی طرفانه داشت.<sup>۲۸</sup> انتقادات نسبت به فرض برائت از سوی طرفداران این فرض رد شده است. باورمندان فرض برائت ادعاهای طرفداران مکتب اثباتی درباره عدم شمول فرض یاد شده بر متهمان دارای سابقه کیفری و یا متهمان دستگیر شده در هنگام جرم مشهود را بی پایه دانسته و نگرش بی طرفانه به متهم را نیز سلاحي مناسب و مؤثر در اختیار حکومت‌های خود کاه می‌دانند که با استفاده از آن در عمل فرض مجرمیت جایگزین فرض برائت می‌گردد. زیرا مسلم است هرگاه دلایل کافی علیه متهم وجود نداشته باشد نمی‌توان نسبت به وضعیت وی بی طرف ماند یا باید فرض را بر مجرم بودن وی قرار داد و یا بی گناه بودن او، اگر فرض را بر برائت بگیریم که حکم برائت صادر می‌گردد و هرگاه نخواهیم چنین فرضی را بپذیریم باید فرض را بر مجرمیت قرار دهیم. به بیانی دیگر نفی فرض برائت و پذیرش بی طرفی در نهایت به قبول فرض مجرمیت متهم می‌انجامد. که این امر معادل گناهکار دانستن بی گناهان بوده و امری غیرقابل پذیرش است. از این رو پذیرش فرض برائت تنهارا هکار عادلانه در يك دادرسی کیفری است.<sup>۲۹</sup>

#### ب- آثار فرض برائت بر دادرسی کیفری

پذیرش فرض برائت دو اثر عمده در دادرسی کیفری دارد. يك اثر آن حقوق دفاعی متهم و دیگری حقوق ناظر بر تأمین آزادی متهم است. در وهله اول با پذیرش این فرض، متهم از حقوق دفاعی بهره‌مند گردد. حقوق دفاعی متهم که از فرض برائت ناشی می‌شود طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که از جمله این حقوق می‌توان به قواعدی هم‌چون اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم برای دفع اتهام از خود و نیز منع اجبار متهم به اثبات بی گناهی یا شهادت و اقرار علیه خود اشاره کرد.<sup>۳۰</sup> در مجموع فرض برائت آثار بسیار زیادی بر حقوق دفاعی متهم دارد که امکان پرداختن به آنها در این نوشتار وجود ندارد.

هنگامی که متهم به ارتکاب جرمی می‌گردد هم‌چنان بی گناه تلقی شده و از حقوق سایر افراد بی گناه به‌ویژه حق آزادی و امنیت تمتع نماید.<sup>۳۱</sup> اصل برائت که از اصول فقهی عملیه به‌شمار می‌آید به گونه‌ای دقیق مترادف با فرض برائت نیست. «اصل برائت بدین معنا است که هر امری توجه آن به شخص مستلزم نوعی زحمت یا زیان یا سلب آزادی یا ایجاد مضیقه باشد. در صورت تردید نسبت به توجه چنین امری به آن شخص، اصل بر اینست که شخص را از هر نوع زحمتی مبری کرد.»<sup>۳۲</sup> با توجه به تعریف اصل برائت، این اصل تفاوت‌هایی با فرض بی گناهی یا برائت دارد. زیرا اصل برائت در همه موارد حقوقی و کیفری کاربرد دارد در صورتی که فرض برائت تنها در آئین دادرسی کیفری تأثیر می‌گذارد.<sup>۳۳</sup> با وجود عدم تطابق کامل فرض برائت با اصل برائت، این فرض نیز از جایگاه شرعی برخوردار بوده و دلایل متعددی در مورد پذیرش آن در دین اسلام در کتاب و سنت وجود دارد.<sup>۳۴</sup> فرض برائت هم‌چنین در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و نیز حقوق داخلی ایران مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بنده ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به فرض برائت اشاره گردیده و بر حق هر فرد در بهره‌مندی از این حق تأکید شده است. در حقوق داخلی ایران نیز در موارد گوناگونی به فرض برائت اشاره گردیده و از جمله در اصل ۳۷ قانون اساسی<sup>۳۵</sup> و بند ۲ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر اصل بی گناه بودن فرد در جریان يك دادرسی کیفری تصریح شده است.<sup>۳۶</sup>

با وجود پذیرش فرض برائت در بیشتر مکتب‌های حقوقی و با اینکه این فرض در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها نیز بازتاب یافته است. اما بر فرض برائت و قلمرو شمول آن نیز انتقاداتی به عمل آمده است. از جمله طرفداران مکتب اثباتی بر این باور بودند که فرض برائت، بزهکاران حرفه‌ای که دارای سوابق کیفری هستند و نیز متهمانی که در هنگام ارتکاب جرم مشهود دستگیر شده‌اند را در بر نمی‌گیرد.<sup>۳۷</sup> هم‌چنین طرفداران نگرش بی طرفانه به متهم نیز بر این باور بودند

سایر نقاط جهان دستاورد عمده‌ای را به همراه نداشت. در انگلستان حق آزادی و امنیت شخصی در دادخواست ژوئن ۱۶۲۸ و در اعلامیه اصول «هیز کورپس»<sup>۳۶</sup> ۱۶۸۹ نیز به رسمیت شناخته شد.<sup>۳۷</sup> اما در سایر کشورها استبداد به طور مطلق حکمفرما بود و حکومتها بدون توجه به حق افراد برای بهره‌مندی از یک زندگی آزادانه، انسانهای بی‌گناه را به زندان می‌انداختند و مورد شکنجه، اذیت و آزار قرار می‌دادند.<sup>۳۸</sup> تا آنکه در سده هیجدهم با نیرومند شدن اندیشه آزادیخواهی و قانونگرایی، حق آزادی و امنیت شخصی اهمیتی بیش از پیش یافت. در سال ۱۷۸۹ با صدور اعلامیه حقوق بشر فرانسه حق آزادی و امنیت شخصی نیز که یکی از اهداف مهم انقلاب فرانسه بود در این اعلامیه بازتاب پیدا کرد. این رخداد تأثیر به‌سزایی در گسترش حق آزادی و امنیت شخصی داشت و زمینه را برای پذیرش این حق در سایر کشورها فراهم آورد. چنانچه برای نمونه در قانونهای اساسی ۱۸۳۱ بلژیک و ۱۹۰۶ ایران مصادیقی از حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شد.<sup>۳۹</sup> با وجود گسترش باور کلی به حق آزادی و امنیت شخصی در جهان، آثار به رسمیت شناخته شدن این حق در سده نوزدهم و نیمه اول سده بیستم کم‌رنگ گردید. زیرا دولتهای دیکتاتوری که در سرتاسر جهان و به‌ویژه در اروپا بر سر کار آمده بودند با وجود اینکه بیشتر آنها از اساس حق آزادی و امنیت شخصی را انکار نمی‌کردند ولی آثار این حق را محدود می‌کردند. اما جنگ جهانی دوم که با نقض گسترده حقوق اولیه انسانها همراه بود موجب شد تا اندیشه ارائه تعریفی فراگیر از حق آزادی و امنیت شخصی و پاسداری از گستره کامل این حق نیرومند گردد. این اندیشه در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر بازتاب پیدا کرد و بدنبال ایجاد ساز و کارهای جهانی و منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر هم‌چون کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیوان اروپایی حقوق بشر، مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی از گستردگی بیشتر نسبت به گذشته برخوردار شد و حقوق ناشی از آن به گونه‌ای دقیق و با جزئیات مشخص شدند. این وضعیت در حقوق داخلی کشورها نیز تأثیرگذار گردید و حمایتها از حق آزادی و امنیت شخصی در قوانین

اما فرض برائت بر حقوق ناظر به تأمین آزادی متهم نیز تأثیر به‌سزایی دارد و از این رو در اسناد حقوقی هم‌چون اعلامیه حقوق بشر فرانسه و در راستای حفظ آزادیهای فردی فرض برائت مورد تأکید قرار گرفته است. با پذیرش فرض برائت بایستی فرد از تمامی حقوق ناشی از حق آزادی و امنیت شخصی که پیش از این به آنها اشاره شد بهره‌مند گردد. زیرا فرض برائت، فرد را تا پیش از صدور حکم قطعی قضایی بی‌گناه می‌داند، آزادی یک فرد بی‌گناه نیز مورد پشتیبانی قانون بوده و وی بایستی از تضمینات لازم برای حفظ آزادی و امنیت شخصی اش متمتع شود.<sup>۳۱</sup>

## مبحث دوم: سیر تحول حق آزادی و

### امنیت شخصی در جهان

در هر جامعه‌ای که فکر آزادی پدیدار شود و آزادیخواهان تلاش کردند تا قدرت استبداد را محدود نمایند، آزادی و امنیت شخصی از جمله مهمترین و بنیادی‌ترین حقوق مورد مطالبه آزادیخواهان از دولت بود. از این رو در انگلستان پس از اینکه در سده سیزدهم میلادی اشراف و مردم عادی علیه استبداد مطلق جان اول<sup>۳۲</sup> پادشاه کشورشان به پا خواستند و وی را وادار به پذیرش حقوق و آزادیهای اساسی شان کردند،<sup>۳۳</sup> آزادی و امنیت شخصی نیز از جمله مهمترین حقوقی بود که پادشاه انگلستان در فرمان مشهورش به نام منشور کبیر<sup>۳۴</sup> که در تاریخ ژوئن ۱۲۱۵ صادر کرد برای مردم انگلستان به رسمیت شناخت. در ماده ۳۹ منشور کبیر به گونه‌ای آشکار بر حق آزادی و امنیت شخصی تأکید گردید. در این ماده تصریح شد:

«هیچ فرد آزادی نباید توقیف یا زندانی شود مگر بر طبق حکم قضات صالح و طبق قوانین مملکت».<sup>۳۵</sup>

ماده یاد شده در به رسمیت شناخته شدن حق آزادی و امنیت شخصی نقطه عطفی به‌شمار می‌آید زیرا حکومت استبداد را که به‌طور سنتی هیچ احترامی برای مصونیت جان، مال و آزادی اتباع خود قائل نبود را متعهد به پاس داشتن آزادی و امنیت فردی می‌کرد. با این وجود تا چند سده بعد، منشور کبیر به جز انگلستان در

گونه‌ای امنیت در بهره‌گیری از تمتعات فردی و خصوصی تلقی گردید.<sup>۴۲</sup>

ب- منتسکیو<sup>۴۳</sup> و مفهوم آزادی و امنیت شخصی منتسکیو حقوقدان و آزادیخواه فرانسوی گرچه نامش با اندیشه تفکیک قوا پیوند خورده است ولی اندیشه‌های وی در مورد آزادی و امنیت شخصی نیز قابل توجه است. وی تعریفی جدید از آزادی ارائه می‌دهد که آزادی و امنیت شخصی در این تعریف اهمیتی اساسی دارد. او درباره آزادی می‌گوید: «باید آزادی را با فکر دیگری در نظر گرفت و آن عبارت از امنیت یا اعتقادی است که انسان به امنیت خودش دارد.»<sup>۴۴</sup>

برداشت منتسکیو از آزادی سیاسی به شدت از نظام حقوقی انگلستان تأثیر می‌پذیرفت که آزادی و امنیت شخصی در آن جایگاهی اساسی داشت. وی خود به این موضوع اشاره کرده و در این باره بیان می‌دارد:

«در انگلستان آزادی سیاسی نزد هر فردی از افراد عبارت از آرامش خاطر است که از اعتماد آن فرد به اینکه در امان است تولید می‌شود و برای اینکه چنین امنیت خاطر و آزادی را هر فردی دارا باشد در انگلستان طرز حکومت طوری است که یک فرد از فرد دیگر نمی‌ترسد در همه جا می‌بایستی روش حکومت همین‌گونه باشد تا آزادی سیاسی در هر کشوری برقرار گردد.»<sup>۴۵</sup>

منتسکیو در جایی دیگر به صراحت بیشتری ابراز می‌دارد:

«آزادی سیاسی عبارت از امنیت یا اعتقاد به وجود امنیت است. این امنیت هیچ‌گاه مورد حمله واقع نمی‌شود مگر در موقع انتساب اتهامات، بنابراین آزادی مردم به‌ویژه بسته به آنست که قوانین جزایی خوب تدوین شده باشد.»

منتسکیو بر لزوم قانونی بودن سلب آزادی تأکید ویژه‌ای داشت و بر این باور بود که سلب آزادی باید با رعایت سازوکارهای قانونی به عمل آید و گرچه این کار موجب زحمت و کند شدن دادرسی می‌گردد ولی این موارد هزینه‌هایی است که باید برای حفظ آزادی و

کشورها بیش از پیش شد. با توجه به مواردی که بیان گردید در مجموع می‌توان سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی را به سه دوره مجزا تقسیم کرد. دوره اول عصر آزادیخواهی و قانونگرایی (سده هیجدهم)، دوره دوم عصر محدود شدن امنیت فردی (سده نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم) و دوره سوم عصر رشد و اعتلاء امنیت فردی (دوران پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر)، در ادامه مطلب، این سه دوره در سه گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## گفتار اول: عصر آزادیخواهی و قانونگرایی

### الف- تعریف جدید از آزادی

تا واپسین سالهای سده هیجدهم در سرتاسر اروپا به جز انگلستان امنیت فردی همواره توسط حکومت‌های استبدادی پایمال می‌گردید. برای نمونه در فرانسه شاه قادر بود بدون هیچ‌گونه محاکمه و رسیدگی افراد را توقیف کرده و برای مدت نامعلومی در زندانها حبس نماید. در عصر حکومت لویی چهاردهم، این فرمانروای مستبد حتی در باریان بلندپایه خود در اسالهای زیاد بدون هیچ‌گونه رسیدگی به زندان انداخت. در دهه‌های پایانی سده هیجدهم نیز که به انقلاب فرانسه منجر گردید توسل به فرمانهای شاهی برای به زندان انداختن افراد بی‌گناه متداول شده بود تا آنجا که در فاصله سالهای ۱۷۷۴ تا ۱۷۸۸ نزدیک به هزار نفر بدین شیوه به زندان افتادند.<sup>۴۶</sup> با توجه به چنین وضعیتی، مطالبه امنیت فردی در سرلوحه تلاشهای آزادیخواهان برای نیل به جامعه‌ای آزاد بود. زیرا تا امنیت فردی همواره در معرض تهدید باشد امکان رسیدن به جامعه‌ای آزاد که در آن مردم از آزادیهای عمومی بهره‌مند باشند وجود نداشت. براین اساس امنیت فردی پایه و مبنای اصلی جامعه‌ای بود که آزادیخواهان خواستار آن بودند. اهمیت امنیت فردی در نگرش آزادیخواهان سده هیجدهم که از مکتب حقوق فطری تأثیر می‌گرفتند تا به آنجا رسید که برداشت سنتی از آزادی را به کناری نهادند و تعریف جدیدی از آزادی ارائه کردند. آزادی در مفهوم سنتی آن به معنای مشارکت شهر و ندان در امور سیاسی و اجتماعی بود ولی در عصر جدید آزادی به منزله

باشد جز اعمالی که برای اطمینان از شخص او لازم است. اگر سخت‌گیری و عقوبتی بشود قانون باید از آن ممانعت و جلوگیری کامل نماید.<sup>۴۸</sup>

با وجود اینکه به نظر می‌رسید شناسایی حق آزادی و امنیت شخصی در فرانسه موجبات تضمین امنیت فردی را فراهم آورد ولی وضعیت بدین گونه نشد. با بروز پیامدهای زیانبار انقلاب فرانسه و روی کار آمدن حکومتی‌هایی که به سادگی به خشونت متوسل می‌شدند پایه‌های امنیت فردی متزلزل گردید. سرانجام نیز با روی کار آمدن دولت دیکتاتوری ناپلئون، عصر جدیدی در پایمال شدن امنیت فردی آغاز شد.

### گفتار دوم: محدود شدن امنیت فردی

#### الف- هرج و مرج انقلابی و دیکتاتوری سده نوزدهم

هنوز چند سالی از اعلان حقوق بشر و شهروند نگذشته بود که نیروهای انقلابی فرانسه که از اصل دموکراسی مطلقه روسو الهام می‌گرفتند به خشونت روی آوردند. چنانچه در سپتامبر ۱۷۹۲ کشتار گسترده‌ای در پاریس صورت گرفت و در مدت چهار روز نزدیک به ۱۲۰۰ نفر پیرمرد، زن و کودک کشته شدند. در سال ۱۷۹۳ با روی کار آمدن کمیته نجات ملی و ایجاد دادگاه انقلاب، حق زندگی و آزادی و امنیت افراد به طور کامل نابود شد. دولت به ترور، اعدام‌های سریع، حبس‌های گسترده و شکنجه زندانیان متوسل گردید و در فاصله نزدیک به دو ماه هزاران نفر از جمله کودکان در سرتاسر فرانسه کشته شدند. وضعیت در سال ۱۷۹۴ با قدرت گرفتن روبس پیر از پیش نیز بدتر شد و کشتارهای گسترده اینبار با استناد به قانونی به نام «برریال» صورت گرفت که به گونه‌ای قانونی حق دفاع متهمان را سلب می‌کرد و اجازه قتل هر متهم را به مجرد کشف هویت وی می‌داد.<sup>۴۹</sup> وضعیت امنیت فردی هم‌چنان ناگوار بود و روی کار آمدن ناپلئون و دولت دیکتاتوری (۱۸۱۴-۱۷۹۹) که او تشکیل داد نیز نه تنها موجب بهبود چنین وضعیتی نشد بلکه تهدیدات بیشتری را متوجه امنیت فردی کرد. قانونی به نام دستور العمل جنایی در سال ۱۸۰۸ بازداشت موقت را تا صدور حکم قضایی نهایی در همه موارد به رسمیت شناخت.<sup>۵۰</sup> بدین ترتیب اصل بودن آزادی و استثنایی تلقی کردن بازداشت به گونه‌ای

امنیت تحمل کرد. منتسکیو هم‌چنین بر لزوم پاسداری از کرامت انسانی افراد پس از سلب آزادی‌شان نیز تأکید داشته و از این رو شکنجه افراد در بازجویی‌شان را نکوهش کرده و ممنوعیت آنرا خواستار می‌گردد. سرانجام اینکه منتسکیو بر فرض برائت نیز باور داشت و در این مورد با بیانی گزیده و کوتاه می‌گوید:

«از آنجایی که افراد بشر شرورند قانون مجبور است آنان را بهتر از آنچه هستند فرض نماید.»<sup>۴۶</sup>

#### ج- انقلاب فرانسه و اعلامیه حقوق بشر و شهروند<sup>۴۷</sup>

اندیشه‌های منتسکیو و سایر آزادیخواهان فرانسه سرانجام تأثیر کرد و بدنبال پیروزی انقلاب فرانسه، حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شد. جامعه فرانسه که از حبس‌های طولانی مدت افراد بی‌گناه در زندانهای هولناکی هم‌چون: باستیل به خشم آمده بود، آمادگی لازم را برای پذیرش مبانی امنیت فردی داشت. از این رو در اصول گوناگون اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۱۷۸۹ به مبانی امنیت فردی پرداخته شد. در اصل اول این قانون بر آزاد بودن انسانها تصریح شد، اصل دوم آزادی و امنیت را به عنوان دو حق از چهار حق اساسی انسان به رسمیت شناخت. اصل چهارم تأکید کرد که حدود آزادی فقط به وسیله قانون محدود می‌گردد. اما اصل هفتم به حق آزادی و امنیت فردی اختصاص پیدا کرد. در این اصل آشکارا هر گونه توقیف و حبس غیر قانونی ممنوع گردید. اصل هفتم مقرر می‌کرد:

«هیچ کس را نمی‌توان متهم و توقیف و حبس کرد مگر به موجب نص صریح قانون و بنا بر ترتیبی که قانون معین کرده است.»

اصل هشتم اعلامیه حقوق بشر و شهروند هم بر قانونی بودن جرم و مجازات تأکید می‌کرد و اصل نهم نیز فرض برائت را به رسمیت می‌شناخت و در ضمن بر اصل بودن آزادی در برابر بازداشت در جریان یک دادرسی کیفری تأکید می‌کرد. این اصل بیان می‌داشت:

«تا زمانی که تقصیر به ثبوت نرسیده هیچ کس را نگاهکار نباید دانست و اگر توقیف شخصی ضروری



قانونی کمرنگ گردید. اما این پایان کار نبود و در سال ۱۸۱۰ تصویبنامه‌ای در مورد زندانهای دولتی به قوه مجریه این اجازه را داد تا در صورت هر گونه سوءظنی، بدون هر نوع محاکمه قضایی، افراد را حبس کرده و حتی اعدام نماید. در این زمان باور بر این بود که اگر آزادی فردی اولین نیاز انسانها در جامعه باشد، امنیت دولت هم اولین نیاز حکومتهاست.<sup>۵۱</sup> بنابراین حکومت به خود اجازه می‌داد تا هر اقدامی را علیه آزادی فردی انجام دهد. در همان سال ۱۸۱۰ قانون جزایی تصویب شد که استفاده از داغ و غل و زنجیر و قطع دست چپ محکومان به اعدام را دوباره برقرار می‌کرد که این موضوع نیز به معنای رسمیت یافتن شکنجه بود.<sup>۵۲</sup> در ابتدای سده نوزدهم تنها در فرانسه امنیت فردی محدود نگردید بلکه در انگلستان نیز دیدگاه فایده اجتماعی که توسط بنتام<sup>۵۳</sup> ابداع شده بود با تکیه بر اولویت مصالح جامعه بر فرد پایه‌های امنیت فردی را متزلزل کرد.<sup>۵۴</sup> در نیمه سده نوزدهم و هم چنین سالهای پایانی این سده، حقوقدانان ایتالیایی هم چون اتریکو فری<sup>۵۵</sup> و لومبروز<sup>۵۶</sup> و مکتب اثباتی (پوزیتیویسم)<sup>۵۷</sup> را پایه‌گذاری کردند که با نگاهی بدبینانه به انسانها بر یک سیاست کیفری سرکوب برای دفاع از جامعه تأکید می‌کرد. این مکتب هم چنین همان گونه که پیش از این بیان شد فرآگیری فرض برائت را نیز انکار می‌کرد.<sup>۵۸</sup>

بدین ترتیب در سده نوزدهم نه تنها حق آزادی و امنیت شخصی در جامعه از اقتدار بیشتری برخوردار نگردید بلکه بر اثر مکتبهای جنایی سرکوبگرایانه و حکومتهای دیکتاتوری، گستره این حق همواره محدودتر شد. البته سده نوزدهم نیز دستاوردهایی داشت از جمله قانون ژوئیه ۱۸۶۵ در فرانسه که حق آزادی موقت را برای بعضی از متهمان برقرار می‌کرد<sup>۵۹</sup> ولی این دستاوردها در برابر محدودیتهایی که به آنها اشاره شد کم‌اهمیت بودند.

## ب- نیمه اول سده بیستم، عصر دیکتاتوریه‌های فاشیستی

نیمه اول سده بیستم اروپا شاهد قدرت گرفتن حکومتهای فاشیستی در آلمان و ایتالیا بود که برای فرد و حقوق آن ارزش قائل نبودند. روی کار آمدن این حکومتها امری اتفاقی نبود بلکه بدنال جنگ جهانی اول و ضعف دولت‌های لیبرال آشکار گردید و این موضوع زمینه لازم را برای رشد جریانهای سیاسی ضد فردگرایی فراهم کرد. در نیمه اول سده بیستم طیف وسیعی از گروههای ضد

## گفتار سوم: عصر اعتلاء امنیت فردی

### (دوران پس از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر)<sup>۶۵</sup>

#### الف- رویکرد جهانی و منطقه‌ای

اعلامیه جهانی حقوق بشر گستره وسیعی از حقوق

تفهیم اتهام، حضور فوری در مرجع قضایی، محاکمه در اسرع وقت، اعتراض به قرار بازداشت و جبران خسارت متهم بی گناه تأکید گردیده است. افزون بر این موارد، موضوع کلی نبودن بازداشت نیز با صراحت بیشتری نسبت به ماده ۵ کنوانسیون اروپایی در ماده ۹ میثاق مورد تصریح قرار گرفته است.<sup>۶۹</sup> به رسمیت شناخته شدن حق آزادی و امنیت شخصی در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در گسترش بیشتر و جهانشمول تر کردن این حق اثر گذار بود. تفسیر کلی شماره ۸ کمیته حقوق بشر بر ماده ۹ میثاق، مصادیق حق آزادی و امنیت شخصی را به گسترده‌گی و با جزئیات بیشتر بیان می‌دارد.<sup>۷۰</sup> هم چنین کمیته حقوق بشر آرایه‌ی درباره نقض ماده ۹ صادر کرده است که این آراء نیز به درک بهتر از مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی و گستره آن یاری می‌رساند. جدای از موارد یاد شده در چند سند بین المللی و منطقه‌ای دیگر نیز بر حق آزادی و امنیت شخصی تأکید گردیده است که از آن جمله می‌توان به ماده ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب نوامبر ۱۹۶۹، ماده ۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها،<sup>۷۱</sup> ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک مصوب نوامبر ۱۹۸۹ و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب آگوست ۱۹۹۰ اشاره کرد.<sup>۷۲</sup> در مجموع تأکید بر حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی و منطقه‌ای به جهانشمول تر شدن این حق یاری رساند و در کشورهای گوناگون نیز حق یاد شده مورد پذیرش قرار گرفت.

## ب- حق آزادی و امنیت شخصی

### در کشورهای گوناگون

به رسمیت شناخته شدن آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به پذیرش حق یاد شده و توسعه مفهوم آن در کشورهای گوناگون نیز یاری رساند. در فرانسه با تأثیر از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و در نتیجه آراء دیوان اروپایی که فرانسه را چند بار محکوم کرده بود، مدت تحت نظر قرار دادن در جرایم امنیتی از ده روز به چهار روز کاهش یافت.<sup>۷۳</sup> در کشور یاد شده تأکید بر حق آزادی و امنیت شخصی رو به فزونی بوده است. این حق در قانون اساسی ۱۹۵۸ مورد اشاره قرار گرفته و قانونی نیز به نام قانون امنیت و آزادی در سال ۱۹۸۱ به تصویب رسیده که بیش از گذشته حفظ آزادی و امنیت فردی را تضمین می‌کند.<sup>۷۴</sup> در ترکیه نیز حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته

انسان از جمله حق آزادی و امنیت شخصی را به رسمیت شناخت. در ماده ۳ این اعلامیه تصریح گردید: «هر کسی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» ماده ۹ نیز بیان می‌داشت که: «احدی نباید خودسرانه توقیف و حبس و یا تبعید گردد.»<sup>۶۶</sup> مواد یاد شده سنگ بنایی برای فراگیر شدن حق آزادی و امنیت شخصی در عرصه جهانی بود. در اسناد بین المللی و منطقه‌ای که پس از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید هم، حق آزادی و امنیت شخصی مورد تأکید قرار گرفت. در ماده پنجم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی، حق آزادی و امنیت شخصی به گونه‌ای دقیق و با جزئیات به رسمیت شناخته شد. این ماده در برگیرنده پنج بند است. بند اول به موارد مجاز سلب آزادی، بند دوم به حق تفهیم اتهام، بند سوم به حضور فوری در نزد مرجع قضایی و حق محاکمه در اسرع وقت، بند چهارم به حق اعتراض به قرار بازداشت و بند پنجم به حق جبران خسارت متهم بی گناه اختصاص یافته است.<sup>۶۷</sup> ماده پنجم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آغاز فصل نوینی در حفظ حق آزادی و امنیت شخصی بود. سازوکارهای نظارتی به وجود آمده بر اثر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یعنی: کمیسیون و دیوان اروپایی نقش شایان توجهی در گسترش مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی و هم چنین تضمین این حق در اروپا داشته‌اند. با آراء صادر شده توسط دیوان اروپایی حقوق بشر به ویژه از سال ۱۹۹۴ که این نهاد تبدیل به یگانه مرجع حمایتی کنوانسیون گردید، مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی از یک کلی گویی خارج شده و تبدیل به مفهومی مورد حمایت قضایی گردید که اجزاء آن نیز به طور دقیق مشخص شدند.<sup>۶۸</sup> گذشته از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سایر اسناد بین المللی و منطقه‌ای نیز حق آزادی و امنیت شخصی مورد شناسایی قرار گرفته است که از جمله می‌توان به بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون بین المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی مصوب سال ۱۹۶۵ اشاره کرد. در سال ۱۹۶۶ نیز در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شد. در ماده ۹ میثاق یاد شده در پنج بند به تفصیل مصادیق حق آزادی و امنیت شخصی بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است. موارد درج شده در ماده ۹ میثاق تقریباً با مندرجات ماده ۵ کنوانسیون اروپایی منطبق است. در ماده ۹ میثاق نیز هم چون ماده ۵ کنوانسیون اروپایی، سلب خودسرانه آزادی ممنوع شده و بر حق متهم به

کرد. در دیوان عالی کانادا هم چنین این بحث آغاز شده که عدم برخورداری فرد از يك رفاه حداقل اقتصادی نیز می تواند به معنای نقض حق امنیت فردی وی تلقی گردد. بدیهی است در صورت پذیرش این اصل، حقوق اقتصادی نیز به عنوان مواردی ناشی از حق امنیت شخصی از اعتبار بیشتری برخوردار می گردند.<sup>۷۹</sup>

سرانجام در مورد پذیرش حق آزادی و امنیت شخصی در کشورهای گوناگون باید به پذیرش این حق در افغانستان اشاره کرد. در قانون اساسی مصوب (۱۳۸۲ خورشیدی) ۲۰۰۴ افغانستان، در چند ماده مفاهیم در پیوند با حق آزادی امنیت شخصی مورد شناسایی قرار گرفته اند. ماده ۲۴ این قانون بر حق بهره‌مندی از آزادی تأکید دارد. ماده ۲۵ به فرض برائت و ماده ۲۷ نیز به ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی پرداخته است و در ماده ۳۱ نیز حق متهم به تفهیم اتهام در هنگام دستگیری به رسمیت شناخته شده است.<sup>۸۰</sup>

در يك جمع‌بندی کوتاه درباره سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی در جهان، باید گفت که این حق که ابتدا آرمانی غیر قابل وصول به نظر می رسید هم اکنون به عنوان يك حق اولیه بشر در بیشتر جهان مورد پذیرش قرار گرفته و از يك کلی گویی صرف خارج شده و حقی با تعریف مشخص و مرزهایی رو به گسترش است. هر فرد انسانی از این حق بهره‌مند بوده و بر اثر بهره‌مندی از آن صاحب حقوقی می گردد که از وی همواره و به ویژه در هنگام توجّه اتهام کیفری به او حمایت می نمایند. با این وجود هم چنان خودسری و دیکتاتوری دشمن اصلی آزادی و امنیت فردی است و حکومت‌های دیکتاتوری تلاش می نمایند تا با استفاده از ابزار گوناگون هر چه بیشتر امنیت فردی را محدود نمایند. اما سیر تاریخ جهان شکست چنین تلاش‌هایی را حتمی نشان می دهد.

## مبحث سوم: سیر تحول حق آزادی و

### امنیت شخصی در ایران

اگر چه منشور کبیر انگلستان آغازی بود برای به رسمیت شناخته شدن حق آزادی و امنیت فردی در عصر جدید ولی این بدین معنا نیست که برای اولین بار این حق در منشور کبیر بیان شده است. صدها سال پیش از صدور منشور کبیر و در دوران باستانی این اشوزرتشت پیامبر ایرانی بود که از آزادی و امنیت فرد سخن راند و نمونه‌های آنرا برشمرد. زرتشت در یسنا، گات ۱۲، بند ۳، می گوید:

شده است. بر اساس اصل ۱۹ قانون اساسی ترکیه مصوب ۱۹۸۲ که در سال ۲۰۰۱ نیز اصلاح گردیده است، سلب آزادی تنها بر مبنای قانون و به وسیله حکم دادگاه با بر اساس نظریه بیمارستانهای روانی و مراکز بازپروری معتادان مواد مخدر مجاز است. این اصل هم چنین حق تفهیم اتهام، حضور فوری در مرجع قضایی و مطالبه خسارت را برای متهمان در نظر گرفته است.<sup>۷۵</sup> حق آزادی و امنیت شخصی هم اکنون در پنج قاره جهان مورد شناسایی قرار گرفته است که برای نمونه به مواردی در خارج از اروپا نیز اشاره می گردد. در نیوزلند در بخش هشتم منشور حقوق اساسی مصوب ۱۹۹۰ این کشور حق زندگی، آزادی و امنیت فردی توسط دولت تضمین شده است.<sup>۷۶</sup> در فصل دوازدهم قانون اساسی ۱۹۹۶ آفریقای جنوبی نیز به گستردگی حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده است. بر اساس این فصل حق آزادی و امنیت شخصی در برگیرنده ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی، ممنوع بودن شکنجه و نیز ممنوعیت مجازاتهای غیر انسانی و ظالمانه است. در فصل یاد شده هم چنین در پیوند با حق آزادی و امنیت شخصی بر حق هر فرد به حفظ تمامیت جسمانی اش نیز تأکید شده است. این حق نیز می تواند در تعریفی فراگیر از آزادی و امنیت شخصی يك رکن مؤثر و ارزشمند باشد. حق حفظ تمامیت جسمانی مصادیقی هم چون حق هر فرد به تصمیم گیری در مورد صاحب فرزند شدن و نیز ممنوعیت هر گونه استفاده از فرد در آزمایشهای علمی و پزشکی بدون رضایت آگاهانه وی را در بر می گیرد.<sup>۷۷</sup>

در کانادا نیز حق آزادی و امنیت شخصی مورد شناسایی قرار گرفته است. این حق در سال ۱۹۶۰ در يك قانون موضوعه به نام «منشور حقوق اساسی کانادا» درج گردید و پس از آن در فصل هفتم قانون اساسی مصوب ۱۹۸۲ نیز به رسمیت شناخته شد. در این فصل افزون بر تأکید بر حق آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت سلب خودسرانه این حق بر حفظ حریم بدنی، سلامت و نیز حمایت از تمامیت جسمانی فرد نیز تصریح شده و از فرد در برابر هر گونه آسیب روحی و جسمی حمایت می گردد.<sup>۷۸</sup> به رسمیت شناخته شدن حق آزادی و امنیت شخصی در قانون اساسی کانادا، در نظام حقوقی این کشور به شدت تأثیر گذار بوده است. چنانچه دیوان عالی کانادا با الهام از این حق در سال ۱۹۸۸ سقط جنین را حقی ناشی از امنیت فردی دانسته و این عمل را که تا آن هنگام ممنوع بود را مجاز و قانونی اعلام

نیز حق آزادی و امنیت شخصی مورد پذیرش قرار گرفت و از جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوب سال ۱۳۵۸ مفاهیم در پیوند با این حق درج گردید. در بیست و هشت سالی که از عصر جمهوری اسلامی می گذرد اگر چه جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی همراه با فراز و نشیب بوده است. اما دیدگاه قانونی به ویژه در چند سال اخیر و پس از تصویب قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی به سوی پذیرش حق آزادی و امنیت شخصی و توسعه مفاهیم در پیوند با این حق بوده است. در این مبحث سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی در ایران در سه گفتار مورد بررسی قرار می گیرد. گفتار اول به عصر بیداری ایرانیان، گفتار دوم به دوران مشروطیت و گفتار سوم به سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص یافته است.

### گفتار اول: عصر بیداری ایرانیان

#### الف - برداشتهای اولیه از مفهوم امنیت فردی

بدنبال شکست ایران از روسیه در دوره اول جنگ ایران و روس (۱۲۲۸-۱۲۲۱ ه. ق. ۰)، شاهزاده عباس میرزا ولیعهد ایران دانشجویانی را برای آگاهی از پیشرفتهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جهان غرب به اروپا گسیل داشت. در میان همین دانشجویان بود که فکر آزادی و احترام به حقوق فردی جوانه زد. میرزا صالح شیرازی یکی از این دانشجویان به شمار می رفت که تلاش کرد تا از نگرش نوین اروپائیان به آزادی فهم اولیه ای بدست آورده و ایرانیان را نیز با مفهوم آزادی آشنا سازد. میرزا صالح هم چنین معنای آزادی و امنیت شخصی و مصادیق آن را نیز دریافت. وی در سفرنامه ای که در سال ۱۲۳۵ هجری قمری به نگارش در آورد به دو نکته در پیوند با حق آزادی و امنیت شخصی اشاره می کند.

میرزا صالح در هنگام بیان وضعیت انگلستان، دو مسئله ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی و ممنوعیت شکنجه را یاد آور می گردد و در این موارد بیان می کند:

«در انگلستان احدی از احاد ناس را تنبیه نمی کنند مگر اینکه به قاعده و قانون ولایت، هرگز هیچ کدام از مقصرین و یا متهمین بدون تقصیر و ناحق تنبیه نمی شوند. هم چنین در زندانهای آنجا نیز کنده و دو شاخه و زنجیر نیست.»<sup>۸۳</sup>

نوزده سال پس از سفرنامه میرزا صالح شیرازی، در سال

«من آزادی رفت و آمد و آزادی خانه و کاشانه را برای هر آنکس که با چار پایش بر روی این زمین به سر می برد گرامی می دارم. به زبان و ویرانی روستای مزدپرستان دست نیازم و آهنگ تن و جان کس نکنم.»<sup>۸۱</sup>

صدها سال پس از این سخنان زرتشت، در دین اسلام، دینی که به سرعت بیشتر مردم ایران به آن ایمان آوردند نیز بر مفاهیمی که در پیوند با امنیت فردی قرار دارند تأکید گردید. در قرآن کریم و در آیه ۵۸ از سوره احزاب بر منع هر گونه اذیت و آزار بی گناهان تصریح می شود، امری که بدون شك منع سلب خودسرانه آزادی و نیز اولویت آزادی بر بازداشت را نیز در بر می گیرد. در آیه یاد شده بیان می گردد: «آنان که مردان و زنان با ایمان را بدون جرم و گناهی که سزاوار آزار و اذیت باشند، برنجانند، باری گران و گناهی آشکار به گردن گرفته اند.»<sup>۸۲</sup>

با وجود ادبیات دینی که به آنها اشاره گردید تا سده نوزدهم میلادی (سده سیزدهم هجری قمری) که ایران با اروپای بیرون آمده از رنسانس و نواندیشی روبرو شد مفهوم آزادی و امنیت شخصی در ایران شناخته شده نبود. اما شکست ایران از روسیه منجر به بیداری ایرانیان شد و بزرگان ایران به فکر افتادند تا از نظام سنتی عبور کرده و طرحی نوین بریزند. در جنبش نوگرایی ایرانیان حقوق افراد ملت از اهمیت به سزایی برخوردار بود و در این میان بر حق آزادی و امنیت فردی نیز تأکید گردید. بدیهی بود تا امنیت افراد در برابر هر گونه خودسری تضمین نگردد و هر لحظه فرد جان، مال و آزادی خود را در معرض تهدید ببیند امکان نیل به سایر آزادیها وجود نداشت. افزون بر این در جامعه سنتی که فرمانروایان هر چند وقت یکبار به طمع مال صاحبان سرمایه می افتادند و در این راستا آنان را به زندان انداخته و یا حتی می کشتند توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز امکان پذیر نبود. بنابراین سنگ بنای توسعه، نوگرایی و آزادیخواهی در ایران نیز مانند سایر جوامع به رسمیت شناخته شدن حق آزادی و امنیت شخصی و مصون ساختن این حق از هر نوع تعرض بود. از این رو در عصر بیداری ایرانیان مطالبه حق آزادی و امنیت شخصی اهمیتی اساسی داشت. بدنبال ایجاد مشروطیت و قانون اساسی در ایران، مصادیق حق آزادی و امنیت شخصی نیز به رسمیت شناخته شدند و سپس در هفتاد و دو سال مشروطیت گامهایی اساسی در راستای تضمین این حق برداشته شد. بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در نظام سیاسی جدید ایران

۱۲۵۴ قمری، شاهزاده بهمن میرزا برادر محمدشاه فرمانروای وقت ایران در گزارشی درباره وضعیت جهان به موضوع امنیت فردی در انگلستان اشاره می‌کند. وی در این مورد در بیانی ساده و کوتاه ابراز می‌دارد:

«کل اهل انگلیسی آزادند و پادشاه یا غیر، حکم به آنها ندارد.»<sup>۸۴</sup>

بدین ترتیب فهم اولیه از آزادی و امنیت فردی در ایران پدیدار می‌گردد و این موضوع در آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه و در عصر صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر در پاره‌ای از اقدامات دولت متبلور می‌گردد. در ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۶ ناصرالدین شاه طی فرمانی ممنوعیت شکنجه را اعلام می‌دارد. در قسمتی از این فرمان بیان می‌گردد: «حکام ولایت مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می‌شوند و خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده به شکنجه می‌گذارند. چنین حرکت، منافی مروت و احکام شرع و خلاق رأی اقدس شریاری است. لهذا قدغن می‌فرمائیم که به هیچ بهانه متهمین را به شکنجه نگذارند. پس از آنکه تقصیر متهمین ثابت و محقق گردید به اندازه تقصیرشان گرفتار همان سزای عرفی و شرعی گردند.»

در ادامه این فرمان تأکید شده بود که هر حاکمی به شکنجه متهمان مبادرت بورزد مورد مواخذه و سیاست قرار می‌گیرد.<sup>۸۵</sup> افزون بر فرمان ممنوعیت شکنجه، در عصر صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر، صدراعظم ایران به فکر ایجاد کنسلیطوسیون<sup>۸۶</sup> می‌افتد. بدین معنا که اداره مملکت بر پایه قواعد مشخصی استوار گردد که بر این مبنا حقوق و جان و مال افراد از اعمال خودسرانه مصون گردد.<sup>۸۷</sup> این فکر محقق نمی‌شود ولی پیدایش چنین اندیشه‌ای به همراه اقداماتی هم چون فرمان ممنوعیت شکنجه نشانه‌ای است که از نیرومند گردیدن فکر امنیت فردی در جامعه سیاسی ایران در سال‌های اولیه پادشاهی ناصرالدین شاه حکایت می‌کند.

### ب- عصر قانونخواهی

شکست اصلاحات امیر کبیر که با عزل وی از صدارت و بدنبال آن کشته شدن او محقق گردید، این موضوع را ثابت کرد که اولین گام در راه اصلاحات ایجاد قانون است. از این رو برخی از ایرانیان آشنا با تمدن اروپایی در صدد نیل به حاکمیت قانون برآمدند و در این راستا رساله‌ها نوشتند. رساله‌های قانونی پیشنهادی با الهام از قوانین انگلستان و فرانسه، ماهیتی در راستای تضمین حقوق فردی داشت. از این رو موضوع امنیت فردی در این قانونهای پیشنهادی از

اهمیت زیادی برخوردار بود. یکی از اولین رساله‌های قانونی که به ناصرالدین شاه نیز عرضه گردید طرح میرزا ملکم خان به نام «دفتر تنظیمات» بود که وی ظاهراً در سال ۱۲۷۶ قمری آنرا به شاه به عنوان پیشنهادی برای مواد اساسی حکومت ایران تقدیم کرد. فصلی از طرح یاد شده به حقوق ملت ایران اختصاص داشت. در این فصل درباره ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی به صراحت بیان می‌گردد:

«هیچ يك از رعایای ایران را نمی‌توان حبس کرد مگر به حکم قانون».<sup>۸۸</sup>

رساله دفتر تنظیمات آغازی بر رساله‌های قانونی دیگر بود. در سال ۱۲۸۷ قمری میرزا یوسف خان مستشارالدوله از دیپلماتهای وزارت خارجه رساله «یک کلمه» را به نگارش درآورد. وی در این رساله نوزده اصل را با الهام از اصول اعلامیه حقوق بشر به دولت ایران پیشنهاد کرد. اصل سوم درباره آزادی شخصی و اصل نوزدهم در مورد ممنوعیت شکنجه بود. در اصل سوم تصریح می‌گردد:

«حریت شخصیه:

هر کس آزاد است و کسی را مجال تعرض نیست مگر به حقوقی که در قانون مذکور است. صورت این مسئله متعدد است از جمله هیچکس را درون خانه کسی حق دخول و تجسس نیست و هیچکس را به گناه دیگر نمی‌توان عقوبت کرد و کسی را با ظن مجرد نمی‌توان به زندان افکند و احدی را بدون حکم قانون جریمه و تنبیه و سیاست نمی‌توان کرد.»<sup>۸۹</sup>

با انتخاب میرزا حسین خان سپهسالار به صدارت عظمی (۱۲۸۸ ق) اندیشه قانونخواهی از پیش نیز نیرومندتر شد. در عصر صدارت سپهسالار، صدراعظم ایران به فکر تدوین قانون اساسی برای دولت ایران افتاد و مستشارالدوله را مأمور نگارش قانون اساسی کرد. این قانون اساسی در سال ۱۲۸۸ تدوین گردید و در آن امنیت فردی نیز مورد شناسایی قرار گرفت. در متن قانون اساسی در مورد امنیت فردی بیان شده بود: «جان و مال و عرض و ناموس قاطبه اهالی ایران از هر گونه تعديات و تجاوزات محفوظ بوده از این به بعد به هیچ بهانه احدی از وزراء و شاهزادگان و حکام کل و جزء بدون جواز شریعت مطهره و بدون تعیین دیوان عدالت، حق تعرض و تعدی به جان و مال و عرض و ناموس رعایا ندارد؛ چونکه با عدم امنیت روز به روز مملکت ایران ویران و اهالی آن به اطراف عالم متفرق و پربیشان خواهند

گردید.<sup>۹۰</sup>

قانون اساسی پیشنهادی مستشار الدوله به تصویب دولت نرسید ولی فکر قانونخواهی نه تنها تضعیف نشد بلکه از گذشته نیز مندرتگر دید و یکی از مهمترین مواردی که قانونخواهان مطالبه می کردند تضمین جان و مال و امنیت فردی بود. این وضعیت تا آنجا بر دولت تأثیر داشت که ناصرالدین شاه طی فرمانی بار دیگر بر منع شکنجه تأکید کرد<sup>۹۱</sup> و دستخطی نیز به عنوان فرمان آزادی رعیت صادر کرد.<sup>۹۲</sup> با این وجود چنین اقداماتی برای تضمین امنیت فردی کفایت نمی کرد از این رو قانونخواهان باز هم در رساله‌های قانونی که به شاه عرضه می داشتند بر آزادی و امنیت فردی تأکید می نمایند. از جمله میرزا ابوطالب بهبهانی در رساله‌ای به نام «منهاج‌العلی» که در سال ۱۲۹۲ به نگارش درآورد و نسخه‌ای از آن را به شاه فرستاد آزادی شخصی را یکی از سه اصل لازم برای آزادی بر شمرده و در این باره بیان داشت:

«آزادی شخصیه را روح و قوت و توانایی دولت و ملت و اساس جمیع کارها می توان معدود داشت و در حقیقت نفس الامر تأمین عامه است. و آن شامل است بر: امنیت و اطمینان کافه مردم از خواص و عوام از جان و مال و عرض و ناموس و کسب و تجارت و منافع و مداخل مردم،... هم چنین احدی را بر هیچکس حکمی نیست. مگر کسی که به حکم قانون، دولت سپرده و معین کرده باشد.»<sup>۹۳</sup>

در سال ۱۲۹۵ قمری نیز میرزا حسین خان سپهسالار طرحی به عنوان امنیت مال و جان افراد به شاه تقدیم کرد ولی این طرح نیز به تصویب نرسید. اما سرانجام در سال ۱۳۰۵ قمری ناصرالدین شاه طی فرمانی بر امنیت افراد و عدم تعدی کارگزاران دولتی به جان و مال و آزادی مردم ایران تأکید کرد.<sup>۹۴</sup> با این حال چنین فرمان‌هایی نیز نمی توانست تضمینی کافی برای حفظ امنیت فردی در ایران باشد تا اینکه با تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۳۲۵ قمری، در کنار سایر حقوقی که برای ملت ایران به رسمیت شناخته شد حق آزادی و امنیت فردی نیز مورد شناسایی قرار گرفت.

### گفتار دوم: عصر مشروطیت<sup>۳</sup>

الف- صدر مشروطیت

متمم قانون اساسی مشروطیت در فصل دوم خود به نام حقوق ملت، هفده اصل را به عنوان حقوق مردم ایران

به رسمیت شناخت. این اقدام در واقع سنگ بنایی برای شناسایی اصول حقوق بشری در ایران بود. چند اصل از اصول قانون اساسی مشروطیت به مفاهیمی در پیوند با امنیت فردی اختصاص پیدا می کرد. اصل نهم بر ممنوعیت هرگونه تعرض به جان و مال و مسکن و شرف افراد و اصل دوازدهم بر قانونی بودن جرم و مجازات تأکید داشت. اما اصل دهم متمم قانون اساسی مشروطیت، مصداق کامل حق آزادی و امنیت شخصی به شمار می رفت، این اصل به ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی و نیز حق تفهیم اتهام متهم می پرداخت. در اصل دهم بیان می گردد:

«غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده، هیچکس را نمی توان فوراً دستگیر نمود، مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود.»<sup>۹۵</sup>

بدنبال استقرار نظام مشروطیت و بر اثر ملزومات ناشی از قانون اساسی و متمم آن، دولت و مجلس شورای ملی در صدد بر می آیند تا قانون آئین دادرسی کیفری را تدوین نمایند. در دوره دوم مجلس شورای ملی و در سال ۱۳۳۰ قمری (۱۲۹۰ خورشیدی) «قانون موقتی اصول محاکمات جزایی» (آئین دادرسی کیفری) تدوین شده و به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۵۰۶ ماده بود و از جهاتی برای حفظ حقوق ناظر بر آزادی‌های متهم اهمیتی به سزا داشت. در وهله اول قانونمند کردن جلب، دستگیری و بازداشت اشخاص به تنهایی ارزشمند بود. جدای از این، موارد دیگری نیز در راستای حفظ آزادی متهم در قانون موقتی اصول محاکمات جزایی بازتاب پیدا کرد. چنانچه در ماه ۱۲۱ بر ضرورت مستند بودن اقدام بازپرس در جلب متهم تأکید می گردد. در این ماده بیان گردید:

«مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد.»  
ماده ۱۲۳ قانون یادشده نیز بازپرس را مکلف می کرد که حداکثر به مدت ۲۴ ساعت از متهمی که به نزد بازپرس حاضر شده، تحقیق نماید. در این ماده نیز تصریح شد:

«مستنطق مکلف است که در ظرف ۲۴ ساعت از زمان حاضر شدن یا حاضر کردن متهم استتاقات اولیه را به عمل آورده و در ظرف این مدت اگر شروع در استتاقات نشده باشد، مستحفظین، متهم را نزد مدعی العموم ابتدایی برده و مشارالیه استنطاق فوری او را از مستنطق می خواهد و اگر

مستتق امتناع ورزد و یا غایب باشد و یا اینکه عذر موجهی در تأخیر استنطاق داشته باشد مدعی العموم استنطاق را از رئیس یا یکی از اعضای محکمه ابتدایی که خودش معین می‌کند، می‌خواهد).

ماده ۱۲۴ نیز تأکید می‌کند که به هر حال در هر صورتی که وضعیت ماده ۱۲۳ رخ بدهد، نباید متهم بیش از بیست و چهار ساعت در توقیف مانده باشد و از او تحقیق صورت نگیرد. در قسمتی از این ماده تصریح می‌گردد:

«هرگاه... پس از حاضر شدن متهم در نزد مدعی العموم اقدامی در استنطاق او نشود این گونه توقیف در ردیف توقیفاتی است که به اراده شخصی بعمل آمده و در این صورت هر يك از مستحفظین که مرتکب چنین جرمی شده‌اند از شغل خود منفصل می‌شوند. مستتق و مدعی العموم نیز در ازاء تخلفی که از وظایف قانونی خود نموده‌اند از شغل خود منفصل خواهند شد.»<sup>۹۶</sup>

قانون موقتی اصول محاکمات جزایی هم چنین از این دیدگاه که بازداشت را اختیاری اعلام می‌کرد<sup>۹۷</sup> نیز برای حقوق ناظر بر آزادیهای متهم اهمیت داشت. با این وجود بر قانون یادشده ایرادات زیادی هم از دیدگاه حق آزادی و امنیت شخصی وارد بود. مهمترین ایراد اینکه در این قانون مدت بازداشت نامحدود بود<sup>۹۸</sup> و این امر لطمه بزرگی برای حق آزادی و امنیت شخصی بود.

### ب- دوران پهلوی

اگرچه در عصر پادشاهی پهلوی وجود دیکتاتوری به‌طور طبیعی زمینه را برای تعدی به امنیت فردی فراهم می‌ساخت اما نیرومندتر شدن دولت و ایجاد تشکیلات نوین دادگستری و نیز اصلاحات در قانون آئین دادرسی کیفری امکان حاکم کردن نظام دادرسی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر را به وجود می‌آورد. نظام دادرسی که در آن حقوق ناظر به آزادیهای متهم نیز بیش از پیش حفظ گردد. در سالهای آغاز پادشاهی رضا شاه، روشنفکران و حقوقدانانی هم چون مشیرالدوله بانی عدلیه در ایران به شاه توصیه می‌کنند که تأمین امنیت افراد در پناه دادگستری را سرلوحه اعمال خود نماید.<sup>۹۹</sup> در چنین اوضاع و احوالی ایجاد دادگستری از يك سو<sup>۱۰۰</sup> و تصویب مواد ۳۸ و ۲۴ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۱۱ خورشیدی اقداماتی سودمند در راستای تضمین حقوق ناظر بر آزادیهای متهم بودند. براساس ماده ۳۸، متهم حق داشت از بازپرس که

یگانه مرجع برای صدور قرار بازداشت موقت بود رفع توقیف خود را بخواهد و چنانچه تا ۵ روز از تاریخ تسلیم تقاضانامه به بازپرس تقاضای او انجام نمی‌شد متهم قادر بود از این حق خود در امور جنحه هر دو ماه یکبار و در امور جنایی هر چهار ماه یکبار استفاده کند. افزون بر ماده ۳۸ در ماده ۲۴ نیز گامی در جهت حفظ آزادی متهم برداشته شد و آن مکلف کردن شهربانی به اینکه بیش از ۲۴ ساعت نمی‌تواند متهمی را در توقیف نگاهدارد، بود.<sup>۱۰۱</sup>

پس از این اصلاحات، دیگر تا سال ۱۳۵۲ در زمینه حقوق ناظر بر آزادیهای متهم در قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحاتی به عمل نیامد.<sup>۱۰۲</sup> اما در سال ۱۳۵۲ قانونی به نام تسریع رسیدگی و اصلاح قسمتی از قانون آئین دادرسی کیفری به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون برای حقوق ناظر بر آزادیهای متهم يك پیامد سودمند و يك پیامد زیانبار داشت. پیامد سودمند آن همانا تبدیل نظام «بازداشت موقت نامحدود» به نظام «بازداشت موقت محدود و با قابلیت تمدید متوالی» و پیامد زیانبار آن به رسمیت شناخته شدن بازداشت موقت اجباری بود. براساس تبصره ۲ ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۵۲ به این قانون الحاق گردید مدت بازداشت موقت در امور جنایی به چهار ماه و در امور جنحه به دو ماه محدود شد و پس از پایان مدتهای یادشده بدون اینکه نیازی به تقاضای متهم باشد، مرجع صادر کننده بازداشت مکلف به فك قرار بازداشت گردید. البته این ماده به مرجع صادر کننده قرار، اجازه تمدید قرار بازداشت موقت را نیز می‌داد اما این تمدید قرار بایستی بر مبنای جهات قانونی و با علل موجهی صورت گرفته و این جهات و علل نیز باید ذکر شده و به آگاهی متهم رسانده شود. ضمن اینکه متهم حق داشت به تمدید قرار نیز اعتراض نماید. البته بر تبصره ۲ ماده ۱۲۹ ایراداتی نیز وارد بود، اینکه چرا بر مستدل و موجه بودن تمدید قرار بازداشت اشاره شده بود اما از تأکید بر اینکه اولین قرار بازداشت باید مستدل و موجه باشد خودداری گردید. هم چنین در این تبصره این موضوع مشخص نشده بود که آیا می‌توان قرار بازداشت را بیش از یکبار تمدید کرد یا خیر؟<sup>۱۰۳</sup> اما همان گونه که پیشتر بیان شد تغییرات به وجود آمده در سال ۱۳۵۲ پیامد زیانباری نیز داشت و آن همانا اجباری کردن بازداشت در مواردی بود. البته پیش از این قانون در سه قانون خاص درباره متهمان به ارتکاب قتل یا جرح به وسیله چاقو، دست‌اندر کاری در تولید، توزیع، فروش و وارد کردن مواد

حیثیت کسانی که آزادیشان به هر دلیلی سلب گردیده، اختصاص پیدا کرده است. در میان اصول یادشده، اصلهای سی و دوم، سی و سوم، سی و هفتم و سی و نهم به گونه‌ای دقیق با حقوق ناظر بر آزادی متهم در پیوند قرار دارد. اصل سی و دوم شباهتهای زیادی با ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده پنجم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارد. این اصل از پنج حق ناشی از ماده ۹ میثاق یعنی: منع توقیف خودسرانه، حق تفهیم اتهام متهم، رسیدگی در اسرع وقت، حق متهم به اعتراض به قرار بازداشت و حق جبران خسارات متهم بی‌گناه، سه حق اول را به رسمیت می‌شناسد.

البته اصل سی و دوم نسبت به بند ۳ ماده ۹ میثاق کمبودهایی نیز دارد که مهمترین این کمبودها عدم اشاره به کلی نبودن بازداشت است. متن کامل اصل سی و دوم بدین گونه است:

«هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتیباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»<sup>۱۰۶</sup>

بدین ترتیب با اصول قانون اساسی که به آنها اشاره شد و به ویژه اصل سی و دوم، زمینه لازم برای حفظ حق آزادی و امنیت شخصی در ایران بیش از پیش فراهم گردید ولی این اصول به گونه‌ای مؤثر در قوانین موضوعه ایران بازتاب نیافته است. در قوانین موضوعه نه تنها مرزهای حق آزادی و امنیت شخصی گسترش پیدا نکرده بلکه به همان حقوقی که در قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته، کم توجهی شده است. برای نمونه برخلاف اصل برائت، (اصل سی و هفتم قانون اساسی)، موارد گوناگونی به عنوان بازداشت اجباری در قانون آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین پیش‌بینی گردیده است.

#### ب- قوانین موضوعه

بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی با تدوین قانونهای خاص که ضرورت انقلابی داشت دگرگونیهایی در حقوق ناظر بر آزادیهای متهم و هم‌چنین حقوق دفاعی وی پدید آمد.<sup>۱۰۷</sup> اما حتی تا چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز قواعد و

مخدر و نیز متهمان به تقلب در امور دارویی و پزشکی، بازداشت اجباری پیش‌بینی شده بود. در اصلاحات قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۵۲ نیز بازداشت اجباری در مورد متهمان به سرقت، کلاهبرداری، جعل و یا استفاده از سند معجول، به شرط اینکه دلایل و قراین موجود دال بر توجه اتهام به متهم کرده و هم‌چنین متهم سابقه یکبار محکومیت قطعی یا دوبار و بیشتر محکومیت غیرقطعی به علت ارتکاب جرایم چهارگانه یادشده داشته باشد، پذیرفته شد.<sup>۱۰۴</sup> این اقدام باروند جهانی در مورد حفظ حقوق ناظر بر آزادی متهم ناسازگار بود.<sup>۱۰۵</sup> با وجود چنین نقطه ضعفی، در مجموع اصلاحات قانونی سال ۱۳۵۲ گامی به پیش در جهت حفظ حقوق ناظر بر آزادیهای متهم بود. پس از تصویب و اجرایی شدن این قانون نیز اقدام مهم دیگری که به پذیرش حق آزادی و امنیت شخصی در ایران یاری می‌رساند، الحاق ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بهمن ماه ۱۳۵۴ بود. با این رویداد طبیعی به نظر می‌رسید که بایستی اقداماتی در جهت هرچه بیشتر هماهنگ کردن قواعد آیین دادرسی کیفری ایران از جمله حقوق ناظر بر آزادیهای متهم با موازین حقوق بشری صورت بگیرد. اما چنین نشد و با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و پدید آمدن جمهوری اسلامی، این نظام نوپای ایران بود که بایستی تغییرات لازم را در جهت حاکم کردن هرچه بیشتر حقوق بشر بر آئین دادرسی کیفری ایران انجام می‌داد.

### گفتار سوم: عصر پس از پیروزی

#### انقلاب اسلامی

##### الف- قانون اساسی

فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ به عنوان حقوق ملت از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأثیر پذیرفت. این فصل دربرگیرنده ۲۴ اصل است و شش اصل آن در پیوند با مفهوم حق امنیت و آزادی شخصی قرار دارد. اصل سی و دوم درباره منع توقیف خودسرانه، حق تفهیم اتهام متهم و رسیدگی به پرونده متهم در اسرع وقت است. اصل سی و سوم در مورد منع تبعید خودسرانه، اصل سی و ششم درباره قانونی بودن جرم و مجازات، اصل سی و هفتم مربوط به برائت، اصل سی و هشتم راجع به ممنوعیت شکنجه و بی‌اعتباری اقرار ناشی از شکنجه و اصل سی و نهم نیز به ممنوعیت هتک حرمت و



ارائه دهد اما با عدم تکلیف به فك قرار بازداشت، در حقیقت مدت بازداشت محدود نشده است. به واقع قانونگذار اصل را بر تجدید قرار بازداشت گذارده در حالی که می‌بایست اصل را بر فك قرار بازداشت می‌گذاشت.

البته قانون آئین دادرسی کیفری در برگیرنده نکات سودمندی نیز در مورد حقوق ناظر بر آزادیهای متهم است. ماده ۲۴ قانون جدید بر مفاد ماده ۲۴ قانون قدیم یعنی محدود کردن مدت تحت نظر قرار دادن به وسیله ضابطان دادگستری تا ۲۴ ساعت و نیز تفهیم اتهام به متهم به وسیله ضابط تأکید می‌کند. ماده ۳۳ نیز در مورد قابلیت تجدیدنظرخواهی از قرار بازداشت است. ماده ۳۷ هم بر لزوم مستدل و موجه بودن قرار بازداشت و ماده ۱۲۹ هم بر وظیفه مرجع قضایی به تفهیم اتهام به متهم تأکید می‌کند.<sup>۱۱۲</sup> با وجود چنین نکات سودمندی در مورد حقوق ناظر بر آزادیهای متهم که البته هیچ کدام آنها به جز لزوم مستدل بودن قرار بازداشت دستاورد تازه‌ای نبودند،<sup>۱۱۳</sup> قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ حق آزادی متهمان را به شدت محدود کرده و افزون بر اینکه با اصول قانون اساسی در تعارض است، حتی نسبت به قانون اولیه دادرسی کیفری سال ۱۳۳۰ قمری (۱۲۹۰ خورشیدی) نیز عقب‌گردی آشکار به شمار می‌رود. بدنبال تصویب قانون آئین دادرسی کیفری که البته به گونه‌ای آزمایشی تصویب شده بود انتقادات زیادی نسبت به این قانون به عمل آمد و این امر موجب شد تا رویکردی تازه نسبت به حقوق ناظر بر آزادی متهم صورت بگیرد.<sup>۱۱۴</sup> در سال ۱۳۸۱ و در قانون احیاء دادرسی که برای از میان بردن پیامدهای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب تدوین شده و به تصویب رسید به حق آزادی متهم نیز بیشتر از گذشته ارج نهاده شد. در بند (ط) ماده ۳ قانون احیاء دادرسی سابق دوباره احیاء شد و بار دیگر نظام بازداشت موقت با مدت محدود و قابلیت تمدید جایگزین نظام بازداشت موقت نامحدود گردید. در بند ح ماده ۳ قانون یادشده نیز به متهم حق داده شد تا بتواند در صورتی که موجبات بازداشت را برطرف ببیند از بازپرسی رفع قرار بازداشت را بخواهد. متهم می‌تواند از این حق هر ماه یکبار استفاده نماید.<sup>۱۱۵</sup> قانون احیاء دادرسی در زمینه حق اعتراض به قرار بازداشت گامهای بیشتری نیز به جلو برداشته است. بر اساس بند (ن) ماده ۳ قانون یادشده، متهم می‌تواند در فاصله ۱۰ روز پس از صدور قرار بازداشتی که با

موازی به تصویب رسید که آزادیهای متهمان را کاهش می‌داد. برای نمونه می‌توان آئین نامه دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت که در سال ۱۳۶۹ یعنی ۱۲ سال پس از پیروزی انقلاب به تصویب رسید اشاره کرد.<sup>۱۰۸</sup> اما اگر از قانونهای خاص صرف نظر نمایم در مورد قانون آئین دادرسی کیفری نیز اصلاحات گوناگونی پس از انقلاب اسلامی به عمل آمد.<sup>۱۰۹</sup> در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، قانون آئین دادرسی کیفری لغو گردید. بر اساس بند ب ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب حق اعتراض به قرار بازداشت موقت از میان رفت. ضمن اینکه تا پنج سال کشور فاقد قانون آئین دادرسی کیفری بود. تا آنکه سرانجام در سال ۱۳۷۸ قانون جدید آئین دادرسی کیفری به تصویب رسید. اما این قانون نیز پیامدهای چندی در زمینه آزادی و امنیت فردی داشته است. از مهمترین این پیامدها می‌توان به موارد سه گانه ذیل اشاره کرد:

۱- بر اساس ماده ۳۲ قانون آئین دادرسی موارد متعددی برای بازداشت متهم پیش بینی شده و اختیار زیادی به مرجع قضایی برای صدور قرار بازداشت اعطاء گردیده است.<sup>۱۱۰</sup>

۲- به استناد ماده ۳۵ قانون یادشده قرار بازداشت اجباری برای متهم در فرضهای گوناگون پیش بینی شده است. اگر در اصلاحیه قانونی سال ۱۳۵۲ در اتهام به ارتکاب جرایم چهار گانه: سرقت، کلاهبرداری، جعل و استفاده از سند مجعول بازداشت اجباری فرض شده بود، بر اساس قانون سال ۱۳۷۸ عنوان مجرمانه مستوجب بازداشت اجباری سه برابر شدند. بدین ترتیب که افزون بر چهار جرم سابق، هشت عنوان مجرمانه: قتل عمد، آدم‌ربایی، اسیدپاشی، محاربه، افساد فی الارض، ارتشاء و خیانت در امانت نیز مشمول بازداشت اجباری گردیدند. موارد بازداشت اجباری به عنوان مجرمانه خاص نیز محدود نمانده است و قانونگذار در کلیه جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام یا حبس ابد است صدور قرار بازداشت را اجباری کرده است. افزون بر این بر اساس بند (د) ماده ۳۵، بازداشت در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد نیز اجباری گردیده است. مندرجات بند (د) ماده ۳۵ به شدت مبهم بوده و زمینه را برای صدور قرار بازداشتی گسترده فراهم کرده است.

۳- گرچه بر اساس ماده ۳۷ به مرجع قضایی تکلیف شده است در پایان يك ماه به بازنگری در قرار بازداشت پرداخته<sup>۱۱۱</sup> و برای تجدید قرار بازداشت دلایل و مستندات

سال ۱۳۷۸ به شدت محدود گردیده ولی رویکردی که در چهار و پنج سال گذشته پدید آمده است این امید را به وجود آورده که حق آزادی و امنیت شخصی و ابعاد گوناگون آن در ایران بیش از گذشته نیرومند گردیده و نظام حقوقی ایران از این حق به مراتب بیشتر از پیش تأثیر ببذیرد.

### سخن آخر

با توجه به مطالبی که در این نوشتار به آنها پرداخته شد، در يك برآیند کلی در مورد مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- حق آزادی و امنیت شخصی یکی از مهمترین حقوق بشری است که از همه انسانها به صرف انسان بودنشان پشتیبانی می‌نماید. حقوق بشر تضمینی است برای برخورداری همه افراد از آزادی و امنیت شخصی، هیچ کس را نمی‌توان به دلیل جنسیت، نژاد، قومیت، مذهب، خاستگاه اجتماعی و یا نوع اتهام متوجه به آن از حق آزادی و امنیت شخصی محروم ساخت. حتی توقیف، دستگیری و زندانی ساختن قانونی افراد نیز به منزله سلب آزادی و امنیت فردی از شخص حبس شده نیست. بلکه شخص بازداشت شده و حتی کسی که به دلیل حکم قطعی قضایی زندانی گردیده است نیز به طور مطلق از آزادی و امنیت فردی محروم نیست. حق اعتراض به قرار بازداشت و یا حق شخص زندانی از اینکه با وی رفتاری انسانی صورت بگیرد، شاهدی بر این مدعا هستند که هیچ گاه نمی‌توان فردی را محروم از حق آزادی و امنیت فردی دانست.

۲- اولین گام در راه پذیرش حق آزادی و امنیت شخصی در جامعه‌ای، به رسمیت شناخته شدن این حق به طور کامل است. بدین معنا که فراتر از چند مصداق، بایستی به صراحت حق آزادی و امنیت شخصی در نظام حقوقی کشورها مورد شناسایی قرار گیرد. در حقوق ایران مصداقهای حق یادشده در یکصد سال اخیر به رسمیت شناخته شده‌اند ولی حق آزادی و امنیت شخصی تاکنون به صراحت در هیچ قانونی در ایران مورد اشاره قرار نگرفته و این کاستی اساسی به شمار می‌رود. بایستی به صراحت و با همان واژگانی که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده، حق آزادی و امنیت شخصی در نظام حقوقی ایران وارد گردد. به نظر می‌رسد که حق یادشده باید در منشور حقوق شهروندی مورد تأکید قرار گیرد.

۳- در تعریف سه سده اخیر از آزادی محور اساسی فرد و

موافقت دادستان و بازپرس صادر گردیده نسبت به این قرار در دادگاهی صالحه اعتراض نماید. این پیش‌بینی حق مهمی برای متهم به شمار می‌آید. زیرا متهم می‌تواند بررسی قانونی بودن بازداشت را از دادگاهی که مستقل از دادسراست درخواست نماید.

پس از تصویب قانون احیاء دادسراها، رویکرد توجه به حقوق متهم از جمله حق آزادی و امنیت فردی وی با جدیت بیشتری دنبال گردید. در سال ۱۳۸۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی به تصویب رسید که قانونی در جهت پاسداری از حقوق متهم و جلوگیری از تعدیات دادگاهها، دادسراها و ضابطان دادگستری است. در این قانون که از موازین حقوق بشری تأثیر پذیرفته است نوآوری‌هایی در زمینه رعایت حق آزادی متهمان انجام شده است. در بند ۱ قانون یاد شده بر ممنوعیت هر گونه بازداشت اضافی و یا بازداشت بر مبنای سلب حق شخصی تأکید گردیده و در بند ۲ نیز به این نکته اشاره شده که اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد. سرانجام اینکه در بند ۵ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی تصریح شده که اصل بر منع دستگیری و بازداشت افراد است.<sup>۱۱۶</sup> موضوعی که در بند ۵ به آن اشاره گردیده با ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز با رویکردی که در بیشتر کشورهای پایبند به حقوق بشر درباره بازداشت اتخاذ شده در هماهنگی است. ولی مفهوم بند ۵ باید در قالب سازوکاری محقق گردد و در این راستا بایستی در قانون آئین دادرسی کیفری تغییراتی به عمل آمده و افزون بر اینکه بازداشت اجباری الغاء گردد؛ اختیار گسترده قاضی درباره بازداشت نیز از میان رفته و حق قاضی در مورد بازداشت متهمان محدود شود.<sup>۱۱۷</sup> انتظار می‌رود که چنین اصلاحاتی در آینده نزدیک محقق گردد به ویژه می‌توان امید داشت که در دو لایحه قانونی که هم اکنون در قوه قضائیه در حال تدوین هستند یعنی «منشور حقوق شهروندی» و نیز قانون جدید «آئین دادرسی کیفری»، تحولات جدیدی در راستای تقویت هر چه بیشتر حق آزادی و امنیت شخصی و به خصوص حقوق ناظر بر آزادیهای متهم صورت بگیرد.

در مجموع در مورد سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی در ایران نیز باید گفت که جایگاه این حق در ایران نیز مانند بیشتر کشورهای جهان دچار فراز و نشیبهایی شده است. این حق به وسیله قانون آئین دادرسی کیفری مصوب

امنیت فردی یکی از مطالبات تاریخی آزادیخواهان ایران بوده و از این رو در قانون اساسی مشروطیت نیز بازتاب داشته است. در راستای پیشبرد حقوق بشر و آزادی در ایران، تأکید بر حق مردم ایران در بهره‌مندی از امنیت فردی جایگاهی اساسی داشته و در آتیه نیز در راستای تحقق هدف یادشده اهمیتی به سزا دارد.

۹- بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زمینه لازم برای تحکیم جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی وجود داشته و افزون بر آن این حق و مبانی آن هم چون فرض برائت از جایگاهی شرعی نیز برخوردارند. از این رو از دیدگاه نظام حقوقی ایران نیاستی مانعی برای نیرومندتر شدن حق آزادی و امنیت شخصی در ایران وجود داشته باشد.

۱۰- کاستیهای پیرامون حق آزادی و امنیت شخصی به‌ویژه حقوق ناظر بر آزادیهای متهم در ایران مشخص است. حقوقدانان ایرانی نیز این کاستیها را شناسایی کرده و چگونگی از میان بردن آنها را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. افزون بر این در قوه قضائیه ایران نیز اراده‌ای برای به رسمیت شناختن حقوق ناظر بر آزادیهای متهم پدید آمده است. بر اساس آنچه پیشتر نیز بیان شده این حقوق مورد پشتیبانی قانون اساسی و موازین شرعی نیز هستند. از این رو تلاش برای از میان بردن محدودیتهایی که هم اکنون در پیوند با حق آزادی متهم در قانون آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین وجود دارد تلاشی است که می‌تواند حداقل تا اندازه‌ای تأثیرگذار باشد.

### یادداشتها

۱. محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ش ۲۱۶.
۲. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، تهران، میزان، بهار ۱۳۸۰، صص ۱۹۵-۱۹۳.
۳. هوشنگ ناصرزاده، آئین دادرسی کیفری، سلب آزادی تن. بازداشت و حبس در حقوق ایران، تهران، دیدار، ۱۳۷۳، ص ۷.
۴. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۶، ح ۱، ۱۳۷۵، صص ۶۴۷ و ۶۴۶.
۵. همان، ص ۷۷۱.
۶. همان، ص ۶۴۲.
۷. همان، ص ۶۵۳.
۸. ناصرزاده، پیشین، صص ۱۵-۱۸.

حقوق وی است. در این میان احساس امنیت فردی مهمترین جلوه آزادی است. این نکته بایستی مورد توجه قرار گیرد که امنیت فردی یکی از معیارهای بنیادین وجود آزادی در هر جامعه‌ای است.

۴- فرض برائت از حقوق ناظر بر آزادی متهم پشتیبانی می‌نماید. فرض برائت آثار مشخصی دارد که عمده‌ترین آنها استثنایی تلقی کردن بازداشت، ضرورت دخالت مقام قضایی جهت سلب آزادی از متهم در هر مرحله از رسیدگی، حق متهم به شکایت از قرار بازداشت به یک دادگاه بی طرف، آزادی متهم بدنبال صدور حکم برائت اولیه دادگاه و سرانجام حق جبران خسارت متهم هستند. شناسایی آثار فرض برائت اقدامی لازم در جهت پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی است.

۵- بهره‌مندی متهم از حقوق ناظر بر آزادی وی، پیوندی تنگاتنگ با حقوق دفاعی متهم دارد، هر گاه یکی از این دو طیف از حقوق محدود شوند این امر بر طیف دیگر نیز تأثیر گذار می‌گردد. در راستای برگزاری یک دادرسی عادلانه و منصفانه که در آن متهم از حقوق دفاعی برخوردار باشد، بهره‌مند بودن متهم از حق آزادی و امنیت شخصی ضروری است.

۶- سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی در جهان از یک واقعیت غیر قابل انکار حکایت می‌کند. در هر جامعه‌ای که آزادی سیاسی بیشتر باشد مردم آن جامعه به میزان گسترده‌تری از امنیت فردی بهره‌مند می‌گردند و در هر جامعه‌ای که دیکتاتوری حاکم باشد این امر تهدیدی غیر قابل مهار برای امنیت فردی است، به گونه‌ای که می‌توان آزادی و امنیت فردی را دارای رابطه‌ای مستقیم با آزادی سیاسی و نسبتی معکوس با دیکتاتوری دانست.

۷- در تحولات دهه‌های اخیر پیرامون حق آزادی و امنیت شخصی، گستره این حق توسعه یافته است. دیگر نمی‌توان امنیت فردی را منحصر به حقوق ناظر بر آزادیهای متهم دانست. امنیت فردی امروز در پیوندی نزدیک با حق فرد بر کنترل بدن خود، بهره‌مند بودن او از امکانات لازم برای کسب حداقل رفاه اقتصادی و نیز ایمنی شخص در برابر هر تهدیدی نسبت به سلامت وی است. تهدیدی که برای نمونه می‌تواند بر اساس آزمایشهای نظامی متوجه فرد گردد.

۸- حق آزادی و امنیت شخصی در ایران نیز با فکر آزادی و قانونخواهی در ارتباط بوده است. برخورداری از

۹. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۵.
۱۰. ناصرزاده، پیشین، ص ۲۲.
۱۱. طباطبایی مؤتمنی، پیشین، ص ۱۶.
۱۲. همان.
۱۳. همان، ص ۱۷.
۱۴. قاضی، پیشین، ص ۶۵۵ و ۶۵۴.
۱۵. طباطبایی مؤتمنی، پیشین، ص ۴۲.
16. Rhona k. m. smith, textbook on International Human Rights, Oxford, Oxford University, second edition, 2005, p. 240
17. Ammesty International USA, fair Trials manual, www. Amnesty USA. org, 11/6/2007.
18. The foundation for human Rights Initiative, right to liberty and security of person, www. Ned. Org, yran-tees/ fhri/ooannual/ righttoliberty. Htm., 9/6/2007.
۱۹. برای توصیفی دقیق از مصادیق حق آزادی و امنیت شخصی، می توان مراجعه کرد به فصل دوم از مقاله «مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشری»، با عنوان «حق برخورداری از آزادی و امنیت شخصی» نوشته دکتر محمد آشوری، ن. ک: محمد آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲، صص ۲۹۳-۳۲۴.
۲۰. همان.
۲۱. درباره آثار فرض برائت بر حقوق ناظر بر آزادی متهم، برای نمونه، ن. ک: محمد آشوری، آئین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چ ۷، پائیز ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۲۴۱ و ۲۴۰.
۲۲. محمد حسین شاملو احمدی، دادسرا و تحقیقات مقدماتی، اصفهان، دادیار، ۱۳۸۳، ص ۴۴.
۲۳. در مورد اصل برائت از اصول عملیه فقهی، ن. ک: ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱۷، بهار ۱۳۸۳، صص ۳۰۷-۲۹۵.
۲۴. شاملو احمدی، پیشین، ص ۴۵.
۲۵. همان، صص ۴۷ و ۴۶.
۲۶. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳، روزنامه رسمی، شماره ۱۷۲۴۹، ۱۳۸۳/۳/۲، بند ۲.
۲۷. محمد آشوری، عدالت کیفری، تهران، گنج دانش،
- ۱۳۷۶، صص ۱۳۸-۱۴۰.
۲۸. همان، صص ۱۴۱، ۱۴۰.
۲۹. همان.
۳۰. آشوری، آئین دادرسی کیفری، پیشین، ج ۲، صص ۲۴۰ و ۲۳۹.
۳۱. همان، صص ۲۴۲-۲۴۰.
32. John1
۳۳. طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، پیشین، ص ۲۱۱.
34. Mayna charta
۳۵. ناصرزاده، پیشین، ص ۳۴.
36. Habeas corpus
۳۷. همان، ص ۲۴.
۳۸. آلبرماله، تاریخ قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه و امپراتور ناپلئون (۱۸۱۵-۱۷۱۵)، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴، صص ۳۴۳ و ۳۴۲.
۳۹. ناصرزاده، همان، ص ۲۵.
۴۰. ماله، پیشین، ص ۳۴۳.
۴۱. همان.
۴۲. قاضی، پیشین، ص ۷۵۵.
43. Montesquieu
۴۴. منتسکیو، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهدی، تهران، امیر کبیر، چ ۶، تیر ماه ۱۳۴۹، ص ۳۳۵.
۴۵. همان، ص ۲۹۶.
۴۶. همان، ص ۲۱۱.
47. Declaration of the Riyhts of man and of the citizen (1789. France)
۴۸. قاضی، پیشین، صص ۶۴۱ و ۶۴۰.
۴۹. ماله، پیشین، صص ۴۴۸-۴۴۴.
۵۰. آرلت هیمن-دوآ، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، ترجمه دکتر یوسف مولایی ورشید برناک، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پاییز ۱۳۸۲، ص ۷۵.
۵۱. همان، ص ۳۱.
۵۲. همان، ص ۷۴.
53. Bentham
۵۴. همان.
55. Enrico Ferri
56. Lambroso
57. Positivism
۵۸. آشوری، عدالت کیفری، پیشین، صص ۱۳۸-۱۴۰.

۵۹. دوآ، پیشین، ص ۷۵.
۶۰. همان، صص ۸۵-۹۰.
۶۱. آشوری، عدالت کیفری، پیشین، ص ۱۴۲.
۶۲. برای آگاهی بیشتر از قانون آئین دادرسی کیفری ۱۹۳۰ ایتالیا مراجعه شود به مقاله دکتر محمد آشوری به نام «قانون آئین دادرسی کیفری ایتالیا در بونه آزمایش» مندرج در کتاب عدالت کیفری، ز.ک: همان، صص ۱۷۳-۱۷۸.
۶۳. دوآ، پیشین، ص ۸۹.
۶۴. همان، صص ۹۶-۹۱.
65. Universal Declaration of Human Rights (1948)
۶۶. مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده‌ای از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۲، صص ۹ و ۸.
۶۷. اردشیر امیر ارجمند، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر «اسناد منطقه‌ای»، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵، ج ۲، قسمت اول اسناد منطقه‌ای، صص ۱۴ و ۱۳.
68. col "council of europe", the right to liberty and security of person, www. Humanrights. Coe. Int/intro/eng/general/liberty. htm, 9/6/2007.
۶۹. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، صص ۲۱ و ۲۰.
70. united nation human rights website- treaty bodies database - document - general comments, general comments no. 8: right to liberty and security of person (art. 9): 30/6/82, www. Unhchr. Ch, 17/6/2007
۷۱. امیر ارجمند، پیشین، صص ۱۵۰ و ۱۱۷.
۷۲. مرکز مطالعات حقوق بشر، پیشین، صص ۱۴۴ و ۱۱۷.
۷۳. دوآ، پیشین، صص ۳۰۸ و ۳۰۷.
۷۴. همان
75. Office of Un High commissioner of Human Rights, Report of state party - turkey, www. unn, nro. Ch, 16/6/2007.
76. New Zealand Human Rights commission, New Zealand Bill of Rights Act 1990, www. hrc. co. nz/home/hrc/introduction/humanrightseducation. php, 17/7/007.
77. Brice Dickson, Human Rights in the 21 century, Belfast, Amnesty international lecture, Queen's university, November 1999, p 148.
78. peter w. Hogg, constitutional law of canada, 2003 student Ed. Scarborough on tario: Thomoson canada limited, 2003, p. 981.
79. Ibid. p. 983.
۸۰. غلام حیدر علامه، جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان، فصلنامه مطالعاتی- پژوهشی نهضت، سال پنجم، پائیز ۱۳۸۳، شماره ۱۹، صص ۱۱۷ و ۱۱۶.
۸۱. ناصرزاده، پیشین، ص ۵۴.
۸۲. همان، ص ۱.
۸۳. فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، سخن، ۱۳۴۰، صص ۳۳ و ۳۲.
۸۴. بهمن میرزا قاجار، رساله‌ای در باب اوضاع جهان، نسخه خطی.
۸۵. آدمیت، پیشین، ص ۵۴.
86. Constitution
۸۷. فریدون آدمیت، مقالات تاریخی، تهران، شبگیر، مراد ۱۳۵۲، ص ۸۶.
۸۸. آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، پیشین، صص ۱۳۶.
۸۹. همان، صص ۱۹۰ و ۱۸۹.
۹۰. فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، تهران، خوارزمی، ج ۲، ۱۳۵۶، ص ۱۹۷.
۹۱. همان، ص ۱۸۰.
- افزون بر فرمان ممنوعیت شکنجه، وزارت عدلیه دولت سپهسالار که خود صدراعظم مسئولیت مستقیم آئین را بر عهده داشت، دستورالعملی در مورد شرط زندانها ابلاغ کرد. در این دستورالعمل آمده است:
- «محبس باید بر وفق شرایط حفظ صحت ساخته شده باشد، زندانبانان بدون داشتن حکم مخصوص مجلس محاکمات نباید کسی را حبس کنند و محبس نیز باید دارای شرایطی برای حفظ صحت باشد. که اهم آنها: رطوبت نداشتن و تاریک نبودن و حبس نبودن هوای محبس است.» ز.ک: همان، ص ۱۷۸.
۹۲. فریدون آدمیت، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام، ۱۳۵۵، ص ۸۰.
۹۳. آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون «عصر سپهسالار»، پیشین، صص ۹۷ و ۹۶.
۹۴. همان، ص ۲۱۷.
۹۵. قسمت قوانین مجلس شورای ملی، قانون اساسی و متمم آن، تهران. صفی‌علیشاه، ۱۳۴۶، صص ۳۳ و ۳۲.
۹۶. غلامرضا حجتی اشرفی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی «با آخرین اصلاحات و الحاقات»، تهران، گنج

- دانش، ج ۶، ۱۳۶۶، صص ۳۹ و ۴۰.
۹۷. آشوری، پیشین، ص ۶۳.
۹۸. همان، ص ۶۱.
۹۹. محمدابراهیم باستانی پاریزی، محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله (حسن پیرنیا)، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴، ص ۳۷.
۱۰۰. همان.
۱۰۱. حجتی اشرفی، پیشین، صص ۱۶-۱۴.
۱۰۲. در زمینه اصلاحات به عمل آمده در آئین دادرسی کیفری ایران، برای نمونه، ن. ک. آشوری، آئین دادرسی کیفری، پیشین، ج ۱، صص ۷۱-۷۳.
۱۰۳. آشوری، عدالت کیفری، پیشین، ص ۶۳.
۱۰۴. همان، صص ۶۳-۶۵.
۱۰۵. در مورد روند جهانی برای حفظ حقوق ناظر بر آزادی متهم، سیر تحول این حقوق در کشورهای دارای نظام حقوقی «کامن لا» نمونه مناسبی است. در این باره ن. ک. Joseph dale robertson, habeas corpus the most extraordinary writ, www. Habeas corpus. Net, 16/6/007.
۱۰۶. غلامرضا حجتی اشرفی، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، تهران، گنج دانش، دی ماه ۱۳۶۵، صص ۱۴ و ۱۵.
۱۰۷. در مورد تحدید آزادی متهم به وسیله مصوبات انقلابی برای نمونه می توان به آئین نامه دادگاهها و دادرسیهای انقلاب مصوب ۲۷ خرداد ۱۳۸۵ و به ویژه ماده ۹ این آئین نامه اشاره کرد. ن. ک. حجتی اشرفی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی «با آخرین اصلاحات و الحاقات»، پیشین، صص ۹۷-۹۱.
۱۰۸. آئین نامه دادرسیها و دادگاههای ویژه روحانیت مصوب مرداد ماه ۱۳۶۹، روزنامه رسمی، شماره ۱۳۲۸۰، مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۵، ماده ۳۵.
۱۰۹. در مورد اصلاحات قانون آئین دادرسی کیفری در سالهای پس از انقلاب اسلامی، ن. ک. آشوری، آئین دادرسی کیفری، پیشین، ج ۱، صص ۷۴-۸۶.
۱۱۰. بهمن کشاورز، متن محشای قانون و آئین نامه «اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب» معروف به قانون احیای دادرسیها به انضمام: متن منقح آئین دادرسی مدنی و آئین دادرسی کیفری، تهران، کشاورز، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳.
۱۱۱. همان، صص ۱۶۵ و ۱۶۴.
۱۱۲. همان، صص ۱۸۳ و ۱۸۲.
۱۱۳. در برخی مواردی که در راستای حفظ حق آزادی متهم و پاسداری از حقوق دفاعی وی در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ درج گردیده، عقب گردهایی نیز وجود دارد. برای نمونه در این قانون هیچ گونه ضمانت اجرایی برای تعهد قاضی جهت تفهیم اتهام به متهم وجود ندارد. این موضوع عقبگردی نسبت به قانون آئین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ است که در ماده ۱۲۵ و تبصره آن در صورت خودداری قاضی از تفهیم اتهام، برای وی تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا پیش بینی شده بود. ن. ک. آشوری، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۳.
۱۱۴. همان، ج ۱، صص ۸۶-۸۴.
۱۱۵. کشاورز، پیشین، صص ۳۴ و ۳۳.
۱۱۶. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، پیشین، بندهای ۵ و ۲.
۱۱۷. برای مطالعه درباره راهکارهایی در راستای منطبق کردن سازوکارهای آئین دادرسی کیفری در مورد بازداشت موقت با حقوق ناظر بر آزادی متهم، ن. ک. آشوری، پیشین، ج ۲، صص ۱۸۳-۱۸۱.